



در مطبع مصطفائی بطنج رسید

CHECKED-200

بسم الله الرحمن الرحيم

100-443887-1000

[illegible][illegible]

[illegible]

باوقات مخصوصه هر کدام در آن واحد دانسته است که زید در فلان وقت
 زنده است و در فلان وقت مرده و مگر او همچنین کلام اوست
 که تمام کتب شرکه تفصیل او نیست و خلقت و تکون صفتیست مختص
 بوی تعالی ممکن چه باشد که ممکن را پیدا می تواند کرد و محتملات با هم
 در عرض وجه افعال اختیاریه بندگان همه مخلوق او تعالی اند اسباب
 و وسایل را در پوشش فضل خود ساخته است بلکه دلیل بر نبوت فضل خود
 کرده و خارج عقل از حرکت جمادات به حرکتی می برزد و می داند که این
 حرکت را در حال این جمادات این با قاعده علی است و راسی او همچنین
 اگر نصرت شان بکمال شریعت متکامل شده است میسر
 که ممکن است در آن محل خود را ممکن که فصلی باشد از افعال یا عرضی
 از آنجا که تواند کرد و آرتی نهی در فرق در افعال اختیاریه
 با قدرت متحقق است و ایمان بدان واجب که حق تعالی بندگان را صورت
 دهد و بازاده داده است و عادت اوست تعالی جاریست که بکار
 ذوق تعالی آن فعل را سدا کند و بوجود آورد و بنا بر همین لراوه
 بندگان با کاسب گویند و مع و ذم و ثواب و عذاب این
 است و با کار فرزند در میان حرکت جمادات و حرکت حیوان که
 در خلاف جهت عقل و غیر خدا را خالق چیزی از ایشان

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على سيدنا محمد
آله الطيبين الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على سيدنا محمد
آله الطيبين الطاهرين

داشتن هم کفایت لهذا پیغمبر علیه الصلوة والسلام قدریه را بموجب است
خود گفت و او تعالی در هیچ چیز خلوت نکند و هیچ چیز در وی حال
نبرد و او تعالی محیط اشیا است با حاطه ذاتی و قرب و معیت با
اشیا دارونه آن احاطه و قرب که در خور فهم قاصر ما باشد که آن
شایان خباب اقدس اونیست و آنچه بکشف و شهود معلوم کنند
انسان نیز منزله است ایمان بغیب باید آورد و هر چه مکشوف و مشهود
کرد و شبه و مثال است آنرا تحت لافقی باید ساخت انجین حضرت
فرموده اند ایمان آریم که حق تعالی محیط است با قرب و
و قرب و معیت ندانیم که چیست و همچنین استواری او بر هر شئی که با او
در قلب یوسن و نزول او در آخر شب با سمان پائین که در احاد
و نصوص وارد اند و همچنین بدو وجه که تقصیر قرآن آن باطن اند
ایمان بدان باید آورد و بر معنی ظاهرش و سی حملی بلیغ کرد و در توفیق
آن نباید آمد و تاویل آن مقصود بعلم الهی باید داشت تا غیر حق را حق
ندانسته باشی در صفات و افعال الهی جز جمل و حیرت بصیرت کبر الیه
مانند هم نیست انکار نصوص کفایت و تاویل آن جمل مرکب است
و در بیان بارگاه است * عمر ازین بی نبوده اند که هست * و
قرب و معیت حق تعالی را نوعی دیگر است که با نوع اول جزئی است آنست

نزد خود و در هر مستی
ناتان شرک نام او در آن است و در وی
قدریت حق تعالی را خالی است و چون
میگویند و بدانگان را خالی از آنست
عنه و فعل طریقی است در آنست
کونه و فعل طریقی است در آنست
او در حق ۱۲
ان الله یحیی و یمیت ما یشاء
و الله قاهر کل شیء
بسم الله الرحمن الرحیم
الحمد لله رب العالمین
والصلاة والسلام على سيدنا محمد
آله الطيبين الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على سيدنا محمد
آله الطيبين الطاهرين

ندارد

۹
 الحمد لله رب العالمين الذي هدانا لهذا
 الذي كنا لنهتدي لولا ان هدانا الله

بلیل قطعی ثابت شده با همه آن ایمان باید آورد و ایمان بدو که ملائکه مذکوران خداست
حق اند و معصوم اند از کسایان و پیغمبره اند از مردی و زنی و محتاج نیستند
با کل و مشرب جاملان و حی و حمالان عیش اند و هر کاریکه مامور اند بر آن
تأم و انبیا و ملائکه با وجودیکه اسراف مخلوقات و مستقر بان درگاه اند
لیکن مثل سایر مخلوقات هیچ علم و قدرت ندارند مگر آنچه خدا آنها را علم
واده است و قدرت داده بذات و صفات الهی ایمان دارند چنانچه
سایر سالمان دارند و در او را که گفته بعضی و مقصود معرفت اند و در او را
تمام است که بقدر وسعت بشکر تو قیف الهی ناطق اند مذکوران
آبایی و در صفات واجب شریک داشتن یا آنها را در عبادت شریک
ساختن کفر است چنانکه دیگر کفار با بخارا انبیا کافرند و در عبادت شریک
عیدی الهی خدا و مشرکان عرب ملائکه را تفریق خدای تعالی و علم
بآنها مسلم دانستند کافر شدند انبیا و ملائکه را در صفات الهی شریک
نابید کرد و غیر انبیا را در صفات پیغامبران شریک نباید کرد و عصمت
سواهی انبیا و ملائکه و دیگری از صحابه و اولیا واجب را نباید کرد
و متابعت ممتنع بر انبیا باید داشت و آنچه پیغمبر صلی الله علیه و سلم کرده
است بان ایمان باید آورد و آنچه فرموده است بران عمل باید کرد و آنچه از او
منع کرده از ان باز باید ماند و قول هر کسیکه سر موافق و فعل پیغمبر صلی الله علیه و سلم

[illegible][illegible]

شیخ علم و ادب
دایم بن بیان و احیاء و تکریم
و احیاء و امانت و خیر
۱۲۵۰

ای صفت قول و فعل اینها بر
مردمان فرض است و متابعت
آن از اولیا و کلمین و غیر
آنچه در این متابعت اینهاست
فرض نیست ۱۲

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على سيدنا محمد
آله الطيبين الطاهرين

داشته باشد آزار و باید کرد و پیغمبر خدا خبر داده است که سوال منکر و دیگر قبر
حق است و عذاب قبر مرکا فران را و بعضی کنا سکا را حق است و بعضی بعد
موت روز قیامت حق است و بعضی صور برای احیاء و امانت حق است و بعضی
اسما و رختن ستارگان و بریدن کوهها و بر بار و رفتن زمین
از نفخه اولی و بر آمدن مردگان از قبور و باز پیدا شدن عالم بعد عدم نفخه
نایه همه حق است و حساب روز قیامت و ششها و اعضا و وزن
کردن اعمال و رمی زن و گذشتن از صراط که بر پشت و دوزخ
بر هر چه شیر و بار بکیر از مو باشد حق است بعضی مثل برق و بعضی
مثل باد و بعضی مثل اسب و هوا و بعضی آتش و بعضی بکیرند و بعضی در دوزخ
افکنند و ششها و انبیا و اولیا و صلحا حق است و جوش کوه حق است
آب او سید یک تراش شیر و شیرین تراش سید باشد و برو کوزه باشد
مثل ستارگان بر که از آن بنوشد بعد از ان نشه نشود و حق تعالی اگر
خواهد گناه کبیره را بی تو به بخشد و اگر خواهد بر صغیره عذاب کند و هر که خلایق
توبه کند گناه او البته موافق و عده الهی بخشیده شود و گناه همیشه در دوزخ
معدت باشند و مسلمانان کنا بهار اگر در دوزخ و آیند آخر کار خواه
جلد یابد و البته از دوزخ بر آیند و داخل بهشت شوند و باز همیشه در
بهشت محلد باشند و مسلمانان بار کتاب کبیره کافر نشوند و نه از ایمان

و بعضی کنا سکا را حق است و بعضی بعد
موت روز قیامت حق است و بعضی صور برای احیاء و امانت حق است و بعضی
اسما و رختن ستارگان و بریدن کوهها و بر بار و رفتن زمین
از نفخه اولی و بر آمدن مردگان از قبور و باز پیدا شدن عالم بعد عدم نفخه
نایه همه حق است و حساب روز قیامت و ششها و اعضا و وزن
کردن اعمال و رمی زن و گذشتن از صراط که بر پشت و دوزخ
بر هر چه شیر و بار بکیر از مو باشد حق است بعضی مثل برق و بعضی
مثل باد و بعضی مثل اسب و هوا و بعضی آتش و بعضی بکیرند و بعضی در دوزخ
افکنند و ششها و انبیا و اولیا و صلحا حق است و جوش کوه حق است
آب او سید یک تراش شیر و شیرین تراش سید باشد و برو کوزه باشد
مثل ستارگان بر که از آن بنوشد بعد از ان نشه نشود و حق تعالی اگر
خواهد گناه کبیره را بی تو به بخشد و اگر خواهد بر صغیره عذاب کند و هر که خلایق
توبه کند گناه او البته موافق و عده الهی بخشیده شود و گناه همیشه در دوزخ
معدت باشند و مسلمانان کنا بهار اگر در دوزخ و آیند آخر کار خواه
جلد یابد و البته از دوزخ بر آیند و داخل بهشت شوند و باز همیشه در
بهشت محلد باشند و مسلمانان بار کتاب کبیره کافر نشوند و نه از ایمان

قال الله تعالى
ان الله يمشي بينكم
و لا تعلمون
و ان الله يمشي بينكم
و لا تعلمون

الحمد لله الذي جعلنا من عباده

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

بسم الله الرحمن الرحيم

۱۰

۱۰۰

الان
الان

1



من

حدیث نبوی است ای پسر وی گفتید هر دو کسان که بعد از من خواهند بود ابو بکر و عمر ۷۶

بر خلافت او اجماع کردند و بیعت نمودند و بعد عثمان بن عفان را صاحب مهابرجین
انصار که در مدینه بودند علی مرتضی شعیب کردند کسیکه با علی مرتضی بیعت
کرد مخطی است لکن سوادین با صحابه نباید کرد و مشاجرات آنها را بخیل نکند
فرد باید آورد و با هر یک عقیدت و محبت باید داشت اینست عفا
بالحق **فصل در اتمام نماز بعد تصحیح عتد** عده ترین
در عبادات بدیهه نماز است در صحیح مسلم از جابر مروی است که فرموده است
که وضو در میان بنده مؤمن و در میان کفر ترک وضو است یعنی ترک وضو
کفری رساند و احمد و ترمذی و نسائی از بریده رضی الله عنه از حضرت مروی است
که زده که هر چند در میان ما و در میان مردم نماز است هر که ترک آن کند کافر
باشد و ابن ابی الدرداء روایت کرده که وصیت کرد بن خلیل من
صلی الله علیه وسلم که شرک بخدا نکنی اگر چه کشته شوی و سوخته شوی و با فزانی
و اندین ممکن اگر چه اگر خدا کند که از زن و فرزند و مال خود بدر شو و نماز
خدا ترک کن هر که نماز فرض را خدا ترک کند و نه خدا از وی برکت و احمد
و داریم و بیعی از عمر بن عاص روایت از ابن مسعود علیه السلام روایت کرده
که هر که بر نماز محافظت کند او را نور و محبت و نجات باشد روز قیامت
و هر که محافظت نکند او را نور باشد و نه بر مان و نه نجات و باشد او
با فرعون و هامان و قارون و ابلیس خلف و ترمذی از عبد الله

الیه سیرت و توفیق و حسن و کمال
و توفیق و توفیق و توفیق و توفیق
و توفیق و توفیق و توفیق و توفیق

وضو یعنی یونز حاصل معنی آنکه
بنده سوس نسبت که وضو اگر
مسئقه فرضیت اوست کافر
شده لیکن قریب کفری نبود

خلیل صادق الحجه و درست دینی
و مدار از نماز سوره اعلی الله علیه
و سلم استند

ای که در این مختصری برای نماز

نماز است و در این مختصری

بن شقیق روایت کرده که اصحاب رسول الله صلی الله علیه وسلم چیز را
نمیدانستند که ترک آن موجب کفر باشد مگر نماز را بنا بر این احادیث
امام احمد بن حنبل تا رک یک نماز را عمدًا کافر نمیدانند و شافعی و امام
بقول میکند بکفر و نزد امام اعظم و امام احمد واجب است تا که توبه کند
و استدعا کند پس باید دانست که نماز را بشمار بطوارکان است چنانچه ذکر
کرده می شود و از شراط نماز طهارت بدن است از نجاست قبی
و نجاست حکمی و طهارت پاره و طهارت مکان پس اول مسائل طهارت

کتاب الطهارة

فصل در وضو بدانکه در وضو چهار چیز فرض است اول سب
دوازدهم می پیر تا زیر ذقن و تا بر دو کوشش دوم شستن بر وضو
باهر و آبرج سیوم سح چهارم حصه چهارم شستن بر وضو با بر
ستائینک و اگر ریش کجانی باشد سینه بین است زیر یونگی
ضرو نیست اگر ازین چهار عضو مقدار ناخن هم خشک ماند وضو درست
نماید و نزد امام مالک و شافعی و احمدیت و تریب هم فرض
و نزد مالک بی شستن هم فرض است و نزد امام احمد
کفین و آب و روغن و مینی کردن هم فرض است و نزد مالک و احمد
سح تمام سه هم فرض است پس حیاط و ران است که اینهمه با و

یعنی موجب کفر باشد
نماز را بنا بر این احادیث
امام احمد بن حنبل تا رک یک نماز را عمدًا کافر نمیدانند و شافعی و امام
بقول میکند بکفر و نزد امام اعظم و امام احمد واجب است تا که توبه کند
و استدعا کند پس باید دانست که نماز را بشمار بطوارکان است چنانچه ذکر
کرده می شود و از شراط نماز طهارت بدن است از نجاست قبی
و نجاست حکمی و طهارت پاره و طهارت مکان پس اول مسائل طهارت
کتاب الطهارة
فصل در وضو بدانکه در وضو چهار چیز فرض است اول سب
دوازدهم می پیر تا زیر ذقن و تا بر دو کوشش دوم شستن بر وضو
باهر و آبرج سیوم سح چهارم حصه چهارم شستن بر وضو با بر
ستائینک و اگر ریش کجانی باشد سینه بین است زیر یونگی
ضرو نیست اگر ازین چهار عضو مقدار ناخن هم خشک ماند وضو درست
نماید و نزد امام مالک و شافعی و احمدیت و تریب هم فرض
و نزد مالک بی شستن هم فرض است و نزد امام احمد
کفین و آب و روغن و مینی کردن هم فرض است و نزد مالک و احمد
سح تمام سه هم فرض است پس حیاط و ران است که اینهمه با و

کتاب الطهارة
فصل در وضو بدانکه در وضو چهار چیز فرض است اول سب
دوازدهم می پیر تا زیر ذقن و تا بر دو کوشش دوم شستن بر وضو
باهر و آبرج سیوم سح چهارم حصه چهارم شستن بر وضو با بر
ستائینک و اگر ریش کجانی باشد سینه بین است زیر یونگی
ضرو نیست اگر ازین چهار عضو مقدار ناخن هم خشک ماند وضو درست
نماید و نزد امام مالک و شافعی و احمدیت و تریب هم فرض
و نزد مالک بی شستن هم فرض است و نزد امام احمد
کفین و آب و روغن و مینی کردن هم فرض است و نزد مالک و احمد
سح تمام سه هم فرض است پس حیاط و ران است که اینهمه با و

۱۰
الحمد لله الذي جعل
العلم نوراً والجهل
ظلمة

پارچه پاک گردد و بشیر و مانند آن از سج کردن پاک شود و زمین نجس اگر خشک شود و اثر نجاست باقی نماند برای نماز پاک شود و نه برای چشم و همچنین خشت مفروش و درخت و دیوار و گیاه غیر مقطوع و مقطوع بدون پاک نشود و نجاست مرئی بشتن بمقدار که عین او زایل شود نزد امام اعظم پاک شود و نزد بعضی بعد زوال عین شسته بار بار بپاشند و هر بار اگر ممکن باشد باید فشرده و الا خشک باید کرد تا که قاطر نشود و نجاست غیر مرئی را با آب تا بهفت بار بپاشند و هر بار باید فشرده و هر گاه اگر سوخته خاکستر شود نزد محمد پاک شود و نه نزد ابی یوسف و همچنین خرا اگر در خاک افتد و تک شود پاک شود و نزد محمد و جلد متیه از دباغیت پاک شود **فصل آب جبار** و آب کثیر از افاد ن نجاست در آن یا کدشتن آن نجاست غیر مرئی نجس نشود مگر وقتیکه از نجاست رنگ یا مزه یا بو در آن ظاهر شود و اگر یک در جدول آب جاری نشسته است یا در آن افتاده است یا متصل به آب نجاست افاده و آب صف در باران از آن مجزایان شود اگر اکثر آب ملاصق یک و نجاست می شود نجس شد و الا نه و اگر قلیل از اندک نجاست نجس شود و قلیتین که پنج مشک آب بشمار مشک صد رطل نزد اکثر ائمه کثیر است و نزد امام عظیم آب کثیر آن است که از حرکت دادن یک طرف و دم خوک نشود و تا آخرین آنرا بپاشند

اینکه آب از روی نجاست

اینکه آب از روی نجاست

اینکه آب از روی نجاست

اینکه آب از روی نجاست

اینکه آب از روی نجاست

حرکت غسل نزد ابی حنیفه و حرکت دست نزد ابی یوسف و وضو نزد محمد

اینکه آب از روی نجاست

ورده نقد کرده اند **فصل در جاره** اگر جاره نوری افتد و بهر داکر
اما سیده شود یا پاره پاره شود تمام آب آنجا کشیده شود و اگر نه
پس اگر جاره کلان است مثل کربه یا کلان تر از آن نیز تمام آب جاکشیده
و همچنین اگر سه جاره متوسط باشند و اگر جاره خرد است مثل پیش
عصفور از مردن آن بخت و لو کشیده شود تا شش و از مثل کبوتر چپ و لو
کشیده شود تا شصت و سه عصفور حکم یک کبوتر دارد و خوانند **فصل**
فصل اگر بصل بر آب قادر نباشد بسبب دوری آب یک کرده
و کرده چهار برابر قدم یا بسبب خوف حدوث بیماری یا در ناک و شفا
یا زیاده مرض یا خوف دشمن یا درنده یا خوف تشنگی یا امید نشدن
دلو و وزن او را جاز نیست که عوض وضو و غسل تیمم کند چنانچه من خال باشد
یا رنگ یا چو نه یا کج یا سکه یا سنج یا سیاه یا قرمز یا شکر یا کاک باشد
اول تیمم تیمم دوم بر زمین زده یکبار بر تمام روی مالده
و باز بر زمین دست زده بر هر دو دست تا آرنج مالده این سه خبر در تیمم
است اگر بعد از آن هم از دست یا روی یا تنی ماند که دست آنجا بر کشیده
تیمم روا نباشد پس اگر شتری یا حرکت مابد و او در خلل و انکشتان
ناید کرد و تیمم پیش از وقت نماز جاز نیست و از یک تیمم چند نماز فرض فعل
خود من جاز نیست و اگر بر آب قادر شود تیمم باطل گردد و اگر در عین نماز

در جاره نوری افتد و بهر داکر
اما سیده شود یا پاره پاره شود تمام آب آنجا کشیده شود و اگر نه
پس اگر جاره کلان است مثل کربه یا کلان تر از آن نیز تمام آب جاکشیده
و همچنین اگر سه جاره متوسط باشند و اگر جاره خرد است مثل پیش
عصفور از مردن آن بخت و لو کشیده شود تا شش و از مثل کبوتر چپ و لو
کشیده شود تا شصت و سه عصفور حکم یک کبوتر دارد و خوانند
فصل اگر بصل بر آب قادر نباشد بسبب دوری آب یک کرده
و کرده چهار برابر قدم یا بسبب خوف حدوث بیماری یا در ناک و شفا
یا زیاده مرض یا خوف دشمن یا درنده یا خوف تشنگی یا امید نشدن
دلو و وزن او را جاز نیست که عوض وضو و غسل تیمم کند چنانچه من خال باشد
یا رنگ یا چو نه یا کج یا سکه یا سنج یا سیاه یا قرمز یا شکر یا کاک باشد
اول تیمم تیمم دوم بر زمین زده یکبار بر تمام روی مالده
و باز بر زمین دست زده بر هر دو دست تا آرنج مالده این سه خبر در تیمم
است اگر بعد از آن هم از دست یا روی یا تنی ماند که دست آنجا بر کشیده
تیمم روا نباشد پس اگر شتری یا حرکت مابد و او در خلل و انکشتان
ناید کرد و تیمم پیش از وقت نماز جاز نیست و از یک تیمم چند نماز فرض فعل
خود من جاز نیست و اگر بر آب قادر شود تیمم باطل گردد و اگر در عین نماز

بسیار است
در جاره نوری افتد و بهر داکر
اما سیده شود یا پاره پاره شود تمام آب آنجا کشیده شود و اگر نه
پس اگر جاره کلان است مثل کربه یا کلان تر از آن نیز تمام آب جاکشیده
و همچنین اگر سه جاره متوسط باشند و اگر جاره خرد است مثل پیش
عصفور از مردن آن بخت و لو کشیده شود تا شش و از مثل کبوتر چپ و لو
کشیده شود تا شصت و سه عصفور حکم یک کبوتر دارد و خوانند
فصل اگر بصل بر آب قادر نباشد بسبب دوری آب یک کرده
و کرده چهار برابر قدم یا بسبب خوف حدوث بیماری یا در ناک و شفا
یا زیاده مرض یا خوف دشمن یا درنده یا خوف تشنگی یا امید نشدن
دلو و وزن او را جاز نیست که عوض وضو و غسل تیمم کند چنانچه من خال باشد
یا رنگ یا چو نه یا کج یا سکه یا سنج یا سیاه یا قرمز یا شکر یا کاک باشد
اول تیمم تیمم دوم بر زمین زده یکبار بر تمام روی مالده
و باز بر زمین دست زده بر هر دو دست تا آرنج مالده این سه خبر در تیمم
است اگر بعد از آن هم از دست یا روی یا تنی ماند که دست آنجا بر کشیده
تیمم روا نباشد پس اگر شتری یا حرکت مابد و او در خلل و انکشتان
ناید کرد و تیمم پیش از وقت نماز جاز نیست و از یک تیمم چند نماز فرض فعل
خود من جاز نیست و اگر بر آب قادر شود تیمم باطل گردد و اگر در عین نماز

[illegible]

نتیجہ وصول فی فی الزوال

[illegible]

بگویند چنانچه در این باب از کتب معتبره و معتبرین روایت شده است

مستون است و صفت آن معروف است و مسافر از ترک اذان مکروه است
 و هر که در خانه نماز گزارد آنرا ^{مستحب} و اگر کافری است **فصل** از شروط
 نماز طهارت بدن مصلی است از نجاست حقیقی و حکمی چنانچه
 بالا گذشت و طهارت پا چرخ و طهارت مکان و استقبال قبله
 و شتر عورت مرد را از نماز باز میبرد و اگر نجس کنیز را باز نماید
 شکم و پشت و زن حرمه را تمام بدن مگر روی و مبر و کف و نیت و هر چه
مسئله هر عضوی از اعضای عورت مرد با زن اگر چه
 حصه آن شکست شود نماز فاسد گردد و عموماً میسر زن فرو
 عضوی علوه است از انکشاف ریح آن هم نماز فاسد کرده است
مسئله در نوازل گفته که آواز زن هم عورت است این جمله
 که بر این تقدیر اگر زن قرائت بجهر خواند نمازش فاسد شود
مسئله و هر که پا چرخ برای ستر عورت گذاشته باشد نماز او
 برینه جایز است **مسئله** اگر جانب قبله معلوم نشود
 تحوی کرده نماز گزارد و بدون تحوی نمازش جایز نیست **مسئله**
 هر که بسبب خوف و شمن یا عدم قدرت بسبب مرض رو بقبله آوردن
 ننماید هر که ممکن باشد نماز بکرازد **مسئله** نماز نقل خارج مصر و ایالت
 هر سو که دایره جایز نیست **مسئله** نیت شرط نماز است مطلق نیست و هر چه

بگویند چنانچه در این باب از کتب معتبره و معتبرین روایت شده است

بگویند چنانچه در این باب از کتب معتبره و معتبرین روایت شده است

بگویند چنانچه در این باب از کتب معتبره و معتبرین روایت شده است

بگویند چنانچه در این باب از کتب معتبره و معتبرین روایت شده است

بگویند چنانچه در این باب از کتب معتبره و معتبرین روایت شده است

ربی الا علی کیا گفتن و وقت قومه سمع الله من جمیع کفین و این سخن
 رب اغفر لی گفتن نزد احد فرض است نه نزد غیر او لیکن اگر سهواً از رک
 کند نزد احمد نماز باطل نشود و قرائت بر تقدی فرض است نه شافعی و نزد
 غیر او فرض نیست بلکه نزد امام اعظم تقدی با قرائت حرام است **فصل**
در واجبات نماز نزد امام اعظم پانزده چیز واجب است
 یکی قیامت فاتحه است دوم ضم سوره یا یک آیت طویل یا سه آیت قصیر در
 هر رکعت نفل و وتر و در هر رکعت فصل تسبیح تعیین اولین برای قرائت
 چهارم رعایت ترتیب ~~در هر رکعت~~ پنجم قرار گرفتن در ارکان
 ششم قیام بعد رکوع هفتم ~~در هر رکعت~~ میان هر دو سجده و قیامی قاضی
 گفت که اگر مصلی از رکوع بسجده رفت و قومه نکرده نمازش نزد ابی حنیفه
 و محمد جایز باشد و بر وی سجده سهو واجب است ششم قیام
 اولی نهم تشهد خواندن در آن دهم بی بی ارکان گزاردن پس اگر رکوع مکرر
 کرد یا سه سجده کرد یا بعد تشهد اولی در دو خواند و در قیام هر رکعت ثانیه در
 سه سجده سهو لازم آید یا زد نهم تشهد خواندن در قعدۀ اخیرۀ دو از دهم
 قرائت بجز خواندن امام را در دو رکعت فجر و مغرب و عشا و جمعۀ و عیدین
 و خفته خواندن در ظهر و عصر و نوافل روز سیزدهم خروج از نماز مطلق
 سیزدهم چهاردهم قیامت در وتر یا نزد دهم تکبیرات عیدین نزد امام اعظم فرض است

نشدن حق تعالی دعا که سهواً از رکعت
 کند یعنی قبول واجبات کند و باطل
 شود در تقدیر نه در سهواً که باطل
 گناید سهواً یعنی اسم ضمیر در دو رکعت
 برای سهواً و استراحت گفته اند
 یعنی بقدر یک رکعت و در هر رکعت
 قیام در هر رکعت واجب است
 بقدر یک تسبیح
 بقدر اللهم اغفر لی تسبیح
 چرا که نزد ایشان قیام از ارکان
 نماز نیست بلکه از واجبات است
 و در ترک واجبات نماز باطل است
 بلکه سهواً سهواً لازم می آید و نزد
 امام ابی حنیفه و شافعی و مالکی و حنفی
 در ترک قیام نماز باطل است
 چرا که در صورت اولی در سهواً و نهم
 ثانیه در قیام تأخیر بخورد در صورت
 سهواً و تأخیر و تقدیر فرض نیست
 واجب است چرا که ترتیب تشهد از ارکان

نزد احمد و محمدی در هر رکعت قیامت واجب است و در هر رکعت تسبیح واجب است

کلامی که در این کتاب مذکور است از کلامی که در کتاب دیگر مذکور است

واجب جداست از ترک فرض نماز باطل شود و از ترک واجب سهو
 سجده سهو لازم و واجب کرد و پس اگر سجده سهو کرد نماز درست
 شد و اگر سجده سهو نکرد یا واجب نماز ترک کرد واجب است که نماز
 را عاده کند و دیگر آنکه در فرض و واجب فرق نمی کنند مگر آنکه سجده سهو
 از ترک بعضی واجبات و بعضی سنن گویند **فصل در بیان سجده سهو**
مسئله سجده سهو آن است که بعد سلام دو سجده کند و تشهد و
 ورود و دعا خوانده سلام دهد و اگر پیش از سلام سجده سهو کند هم روا باشد
 و اگر در یک نماز چند واجب سهو کرد **مسئله** اگر در یک نماز دو واجب سهو کرد
 سجده سهو کند بمقتضای جمیع واجبات و اگر در نماز **مسئله** خود سهو کرد و نماز سجده سهو
مسئله جماعت و در نماز پنجگانه فرض است نذر و استسگان نماز منفرد
 هم صحیح است و نذر و افود نماز منفرد صحیح نیست و نذر و شافعی جماعت فرض
 کفایه است و نذر و ابی حنیفه و مالک جماعت سنت مؤکده است و قریب
 بواجب است و در احوال فوت جماعت سنت فخر را که مؤکده ترین سنتها
 ترک کند و اگر مردم شهری ترک جماعت را عادت کنند یا بنه قتل بلایند
مسئله جماعت زمان تنهایی نذر و ابی حنیفه مکروه است و نذر و مالک و مکرر
مسئله اولی برای امامت قاری تر است که از احکام نماز و نذر
 باشد بهتر عالم ترک قرآن مایحوز به اصوله بخواند و نذر و اکثر علما بخیر است

سجده سهو آن است که بعد از سلام دو سجده کند و تشهد و ورود و دعا خوانده سلام دهد و اگر پیش از سلام سجده سهو کند هم روا باشد و اگر در یک نماز دو واجب سهو کرد سجده سهو کند بمقتضای جمیع واجبات و اگر در نماز پنجگانه فرض است نذر و استسگان نماز منفرد هم صحیح است و نذر و افود نماز منفرد صحیح نیست و نذر و شافعی جماعت فرض کفایه است و نذر و ابی حنیفه و مالک جماعت سنت مؤکده است و قریب بواجب است و در احوال فوت جماعت سنت فخر را که مؤکده ترین سنتها ترک کند و اگر مردم شهری ترک جماعت را عادت کنند یا بنه قتل بلایند

در سجده سهو آنست که بعد از سلام دو سجده کند و تشهد و ورود و دعا خوانده سلام دهد و اگر پیش از سلام سجده سهو کند هم روا باشد و اگر در یک نماز دو واجب سهو کرد سجده سهو کند بمقتضای جمیع واجبات و اگر در نماز پنجگانه فرض است نذر و استسگان نماز منفرد هم صحیح است و نذر و افود نماز منفرد صحیح نیست و نذر و شافعی جماعت فرض کفایه است و نذر و ابی حنیفه و مالک جماعت سنت مؤکده است و قریب بواجب است و در احوال فوت جماعت سنت فخر را که مؤکده ترین سنتها ترک کند و اگر مردم شهری ترک جماعت را عادت کنند یا بنه قتل بلایند

افضل ۱۱
 نذر و مالک و مکرر
 نذر و مالک و مکرر
 نذر و مالک و مکرر

کتابخانه عمومی مسجد جامع اصفهان

و اماست فاسق جائزست یا کرهت و اقتدای مرد فارسی بالغ بگوید که وزن
وامی و اقتدای غیر منتهی بجا نیست و اگر اقامتی فارسی و اقامتی را امامت کند نماز
باطل شود و نماز پس محدث جائز نیست و از فساد نماز امام نماز مقتدی
فاسد شود و نماز قائم خلف قاعد و متوضی خلف میتیم جائزست و نماز رکوع
و سجود کننده خلف اشاء و کننده جائز نیست **مسئله** اگر یک
مقتدی باشد برابر امام برویت راست بایستد و دو مقتدی و زیاده
خطب امام بایستد و تنها خلف صف اگر کسی نماز گزار و نمازش مکروه
باشد و نزد احمد نماز شب جائز نباشد و اگر مقتدی از امام مقدم شود
نمازش باطل شود و این ماحجه از انشای حضرت علی علیه السلام روایت کرده که
رسول خدا صلی الله علیه و سلم فرمود که نماز مرد در خانه خود ثواب یک نماز در
و نماز او در مسجد قبیل ثواب هفت و پنج نماز و نماز او در مسجد جمعه ثواب
پانصد نماز و نماز او در مسجد اقصی ثواب هزار نماز و نماز او در مسجد نبوی
در شهر ثواب پنجاه هزار نماز و نماز او در مسجد حرام ثواب صد هزار نماز
و اگر در فضل طریق خواندن نماز بروجهت آن است که اذان گفته شود
و اقامت و نزد شیعیان علی الصلوة امام بر خیزد و نزد فاضل بگوید
نیت کند و هر دو دست تا نیت کوشش بردارد و مقتدی خود تکبیر
و امام تکبیر کند و هر دو دست راست بر دست چپ نه زانوی چپ نه زانوی راست
و امام تکبیر کند و هر دو دست راست بر دست چپ نه زانوی چپ نه زانوی راست

[illegible]

وزن هر دو دست تا دوش بر داشته بالا می بیند دست بر دست بند
بستر امام و منفرد و مقتدی سبحانک اللهم العاقبة
بستر امام و منفرد و عوده یا الله من الشیطان الرجیم بسم الله
الرحمن الرحیم ضعیف بخواند و سبق در قضای سابق بخواند و بسمله خواند
نه مقتدی بستر امام و منفرد و فاحش بخواند بستر امام و مقتدی و منفرد
این کوید بسته بستر امام و منفرد سوره فتح کنند و دست آن
که در حالت اقامت و اطمینان در فجر و ظهر طویل مفصل خوانند
سوره حجرات تا سوره بروج و در عصر و عشا اوسط مفصل از بروج
تا لم یکن و در مغرب قصار مفصل از لم یکن تا آخر قرآن لیکن این چنین لازم
گرفتن بیستون نیت کاهی پیغمبر صلی الله علیه و سلم در فجر متودین خواند
و کاهی در مغرب سوره طور و نجم و و المزلزلات خوانده و اگر مقتدیان
فارغ و راعب و طول قیام باشند و باشد که قراة طویل خواند
ابوبکر صدیق رضی الله عنه در نماز فجر در یک رکعت سوره بقره خوانده
پیغمبر صلی الله علیه و سلم در دو رکعت مغرب سوره اعراف خوانده
عثمان رضی الله عنه در نماز فجر اکثر سوره یوسف میخواند لیکن رعایت
حاضر شدیان ضرورت معاوین جبل رضی الله عنه در نماز عشا سوره بقره
یک مقتدی پیغمبر صلی الله علیه و سلم شکایت کرد پیغمبر صلی الله علیه و سلم

چون که مقتدیان
بر آن ظاهر نماز صورت نشینند
موانع در وجوب تعصبات شد ۱۲

فرمودای معاذ مکر تو در فتنه و با و معصیت می اندازی مثل شیخ اسم
و دانشمندان بخوان غرض که رعایت حال مقتدیان است
و در نماز صبح روز جمعه پیغمبر صلی الله علیه و سلم سوره الم سجده و سوره
خوانده و مقتدی ساکت باشد و متوجه بقبر است امام و در نماز نوافل
بر آیه ترغیب و ترهیب دعا و استغفار و توبه از دوزخ و در دعا
بهشت مسنون است چنین از قرائت فارغ شود تکبیر کویان بر کوع رود
و وقت رفتن بر کوع و سر برداشتن از آن رفع یدین نزد ابی خنیفه سنت
است لیکن اکثر فقها و محدثین اثبات آن می کنند و در رکوع هر دو روز
بهر دو دست محکم کبیر و انگشتان انگشاوره دارد و سر و دست را باین
برابر کند و هر قدر که در قیام درنگ کرده باشد مناسب آن در رکوع
درنگ کند و سبحان بلی العظیم می گفته باشد و رعایت وتر کند
و ادنی مسنون است باینست و مقتدی بعد امام بر کوع و سجود رود
مقتدی از امام در ارکان حرام است بستر امام سر بردارد و مقتدی
سجده از آن وقت سر برداشتن نزد امام اعظم امام جمیع الله علیه و سلم سجده
گوید و مقتدی باینکه الحمد و منفرد هر دو و نزد صاحبین امام جمیع
نمان هر دو بستر تکبیر کویان بسجود و اول هر دو زانو بستر هر دو دست
بهنه بستر منی و پیشانی میان هر دو دست و انگشتان دست ختم کرده

در وقت صبح و مقتدیان را غلبه باشد
در یک زیاده کند ۱۳

یعنی پیش از امام در رکوع رفتن باز سجده
یا بستر چنان پیش از وی حرام است باینکه
شیاعت در یکجا بایستد و آن وقت که
و فصل صلی علی محمد اللهم ربنا انت الحق

یعنی هر دو کوفه را دارد و سجده انگشتان را
یا کبیر و مسنون السلام داخل شود
یا کبیر و مسنون السلام داخل شود
سند و بستر ۱۴

همچنانکه در وقت تحریمه روی میان هر دو دست می باشد ۱۵

نه نزد ابی حنیفه و شافعی و در رکعت ثالث و رابع فقط سوره فاتحه یا بسمله
آهسته بخواند چون از رکعات فارغ شود عقده اخیره کند مثل اولی و بعد
تسبیح و ران درود بخواند **اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ**
إِلْحَ اللَّهُمَّ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ الْبِرِّ و عا بخواند مشابه الفاظ **وَأَدْعِي مَا تَوَرَّه** اولی است بخصوص این دعا **اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ**
عَذَابِ جَهَنَّمَ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ وَأَعُوذُ بِكَ
مِنْ فِتْنَةِ الْمَسِيحِ الدَّجَالِ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ الْحَيَاةِ
وَالْمَمَاتِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْمَأْثَمِ وَالْمَغْرَمِ
و نیز **وَمِنْ قَدِيرٍ وَوَجَلَةٍ** بر سرین چپ بنشیند و هر دو پای از جانب
راست بیرون آرد و سلام گوید و دو جانب منفرد نیست کند ملائکه را
و امام مقتدیان آنطرف **یا ملائکه** را مقتدی امام و قوم و ملائکه را و بگوید
که نماز بخشور و خشوع گزار و نظر بسجده گاه دارد و بعد سلام آیه الکرسی
بگوید و سبحان الله سی و سه بار و الحمد لله سی و سه بار و الله اکبر
سی و سه بار و کلمه توحید یکبار بخواند **فصل در بیان**
در نماز اگر در نماز حدث لاحق شود وضو کند و بر همان نماز بنا کند
و اگر منفرد باشد او را از سر نو نماز خواندن افضل است و اگر امام باشد
خلیفه گیرد و وضو کند و داخل مقتدیان شود و مقتدی وضو کرده

نه نوزدانی خیفه و شافعی و در رکعت ثالث و رابع فقط سوره فاتحه با بسمله
 بسته بخواند چون از رکعات فارغ شود مقدمه اخره کند مثل اولی و بعد
 تشهد و ران درود بخواند **اللهم صل علی محمد و علی آل محمد**
الح اللهم بآرک علی محمد الح نسر و عا بخواند مثابه الفاظون
و ادعیه مانوره اولی است خصوص این دعا اللهم انی أعوذ بک من
عذاب جهنم و أعوذ بک من عذاب القبر و أعوذ بک
من فتنه السیم الدجال و أعوذ بک من فتنه الحیا
و الممات اللهم انی أعوذ بک من المأثم و المعثم
 و زتن و دیر و دجله پسین چپ بنشیند و هر دو پای از جانب
 زامت بیرون آرد و سلام گوید هر دو جانب منفر و مبت کند ملائکه را
 و امام مقتدیان آنطرف و ملائکه را مقتدی امام و قوم و ملائکه را و باید
 که نماز بخشود و خشوع کرد و نظر بسجده دارد و بعد سلام **یا کریم**
کیا رب سبحان الله سبی و سه بار و الحمد لله سبی و سه بار و الله اکبر
سبی و سه بار و کلمه توحید کیا بخواند فضل و برهان شد
 و در نماز اگر در نماز حدث لاحی شود و وضو کند و برهان نماز نبا کند
 و اگر منفر و باشد او را از سر نو نماز خواندن افضل است و اگر اتم باشد
 خلیفه گیرد و وضو کند و داخل مقتدیان شود و مقتدی وضو کرده

باز آید مکانیکه از آنجا رفته بود و درین عرصه آنجه امام خوانده است اول آنرا
بدون فرات ادا کند و با امام شریک شود و اگر امام از نماز فارغ نشود
است مقصدی مختار است اگر خواهد مکان اول باز آید و اگر خواهد جائیکه
وضو کرده همانجا نماز تمام کند و اگر عداثت کند نماز فاسد شود و بنا
جائز نباشد و اگر در نماز مجنون شد یا احکام کرد یا فهمیده کرد یا سخا
مانع نماز بر وی افتاد یا زخمی بوی رسید یا بلبان حدیث از سجده
یا تاج مسجد از حد صفوف برآمد مستطاعت شد که حدیث فاسد شود و نماز
فاسد شود و بنا جائز نباشد و اگر از مسجد یا صفوف خارج
نیامد و اگر بعد تشهد حدیث او را لاحق شد وضو کند و سلام دهد و اگر
بعد تشهد حدیث کرد و نزد امام اعظم نمازش تمام شد و اگر در خارج
ای در محله اخیر ۱۲۰
تیمم کننده بر آب قادر شد یا امی سوختی آموخت یا بر منبر برآید چه قاضی
شد یا اشاره کننده بر رکوع و سجود قادر شد یا در خارج موزه
تمام شد یا موزه بعل قلیل از پاکشید یا صاحب ترتیب را نماز
خاتمه یا آدم یا قاضی را خلیفه گرفت یا آفتاب در نماز فجر طلوع کرد
یا وقت ظهر و نجالت از نماز جمعه برآمد یا صاحب عذر مثل سلس البول
و مانند آنرا عذر دور شد یا جیره زخم از بدن زخم برخیزد
درین صورتها بجهت فرض بودن خروج مصلی بفعل خود نماز نزد امام اعظم

فصلنامه خدمه اہل بیت کہ آواز آنہا نواز بکاران ایمان است خرمندہ ۱۳

یعنی اینجا است غلط زبده از یک درم و نیم تخم بخار از پنج نوبت

جبر ۲۰۰ سالہ کی سیرت

24.

خواجہ شمس الدین عظیمی رچسٹر، نیویارک

کشیده و اگر بعضی کشته شود
ما را ز من تمام است

از تصدیق کمال

مردال لعلی بن علی

بسم الله الرحمن الرحيم

وہی ہے جس نے

مجلس

1/10/19

باطل شد و نزد صاحبین باطل نشد **مسئله** اگر امام را حدث شد و
سبوق را خلیفه گرفت سبوق نماز امام را تمام کند پسر خلیفه کند **مسئله**
تا سلام دهد با قوم بعد از آن سبوق ایستاده شود و نماز خود تمام کند
مسئله اگر در رکوع یا سجود حدث لاحق شود چون بپا کند آن رکوع
و سجود را اعاده کند و اگر در رکوع و سجود یا در رکعت یک سجده از بعثت
اولی فوت شده بود یا سجده تلاوت فوت شده بود آن سجده را قصا
کند و اعاده این سجده واجب است و اجنبیت و اگر امام را حدث
شد و مقتدی بگیرد دست همان مرد بلا تعیین خلیفه می شود و اگر مقتدی یکی
یا یک طفل است نماز مرد فاسد شود و در روایتی نماز امام فاسد
نشد اگر زن و طفل را خلیفه کرده باشد **مسئله** اگر امام از قرة بند
او را خلیفه گرفتن جائز نیست اگر کما یجوز فی الصلوة بخواند یا **مسئله**
اگر شخصی امام را در نماز و یا دیگر جا که امام را و یا بدو در میان رکن دخل
شود اگر رکوع یافت رکعت یافت و الا رکعت نیافت پس هرگاه امام نماز
خود تمام کند سبوق بعد فراغ امام آنچه فوت شده آن نماز خود بخواند
و نماز سبوق در حق قرائت حکم اول نماز دارد و در حق قعود حکم آخر نماز
دارد **مسئله** پس سبوق نماز خواندن جائز نیست نزد ابی حنیفه
مگر آنکه شافعی و ارجح از میسار در **مسئله** اگر مضطرب بعد از رکعت

دستور خواندن
 قعدۀ اولی کند با زیارت آن
 قعدۀ با فاتحه و سوره خوانده بعد از بیاضی یافته
 رکعت اول و رکعت دوم قعدۀ اولین
 سوره سلام و رکعت با فاتحه و سوره و یک
 رکعت با فاتحه فقط خوانده
 قعدۀ اخیر نماید و سلام دهد و رکعت
 دوم رکعت از رباعی با امام یافته است
 قعدۀ کند با فاتحه و سوره خواندن
 آن تقدی
 گویند که تمام
 نماز با امام کرده
 باشد ۱۳

در بیان آورد
که ابو بصیرین رضی الله عندهما
عن ابان ورضی الله عنهما حضرت علی بن ابی طالب
علیه السلام فرمود که من در خدمت رسول خدا
صلی الله علیه وسلم پیش رفته ام تا
آنکه او را دیدم و گفتم ای پسر رسول خدا
ایستاده بگویم که من در خدمت تو بوده ام
و گفت ای پسر رسول خدا ایستاده بگویم
که من در خدمت تو بوده ام

بفراموشی برای رکعت ثالث برخاست و قعدۀ اولی نکرد پس تا که قریب
 قعود است بنشیند و سجده سهو واجب بشود و اگر نزدیک قیامت
 استاده شود و از باز نشستن او نماز فاسد شود و نیز بعضی و سجده سهو کند
 و اگر بعد چهار رکعت برخاست تا که رکعت پنجم را سجده نکرد و دست
 بنشیند و قعدۀ اخیرۀ کرده سلام دهد و سجده سهو کند و اگر رکعت
 پنجم را سجده کرده نماز فرض او باطل شد اگر خواهد رکعت ششم کرد سلام
 دهد و سجده سهو کند و اگر خواهد رکعت ششم نکرده نماز پنجگانه اخیر کند
 و سلام دهد در صورت چهار رکعت نفل شد و یک رکعت باطل
 گشت **فصل در قضا** نماز و قیة اگر نماز را وقت فوت شد قضا کند
 یا اذان و اقامت مانند او پس اگر جماعت خواند در نماز جبری بفرمان
 واجب است و اگر تنها خواند شرا قرات بخواند **مسئله** ترتیب
 در قیامت و وقتیه فرض است و محبین در فرض و وتر که واجب است
 هم فرض است نزد امام اعظم پس اگر با وجود یکۀ فائیه یا و یا شد وقتیه
 بخواند نماز و قیة فاسد شود پس اگر قضا کرد فائیه را پیش از او کرد آن
 وقتیه ثانیه نماز و قیة اولی باطل شد فرضیه او و اگر پیش از قضا
 کرد آن فائیه پنج وقتیه او اگر دان وقتیات صحیح شنید نزد امام اعظم
 بنزد صاحبین **مسئله** اگر عشا بفراموشی بی وضو خواند رکعت

حکایت شده است
 که در این باب
 بعضی از شیخین
 بعد از سجده
 تنهائی می کردند
 صاحب کرامت
 همین را صحیح گفته
 و اینها را
 در این باب

اینست و بعضی
 از شیخین
 بعد از سجده

بود نمازی دیگر شروع کرد و تکبیر نماز اول باطل شد و اگر در همان نماز باز شروع کرد
تکبیر نماز اول باطل نشود و اگر طعمای که در دندان بود از زبان برآورده خورد و اگر
کم از نحو دست نماز فاسد نشود و اگر بعد از نحو دست نماز فاسد شود و اگر در کوفتی
نظر کرد و معشیت فمید نماز فاسد نشود و اگر بر زمین یا بر دوکان نماز میخواند و از پیش او
کسی گذشت نماز فاسد نشود و اگر چه کهنه زن باشد یا هر یک لیکن اگر عاقلی
گذشت کهنه کهنه عاقلی شود مگر وقتیکه دوکان بلند باشد که در آن وقت عاقلی
مصلی نشود و سنت آنست که مصلی پیش خود و صحرا و سر راه شتره قائم کند بطول
یک ذراع و بر سر یک انگشت و قرب خود و مقابل ابروی راست یا چپ کند نهادن
و خط کشیدن فائده ندارد و شتره امام قوم را کفایت می کند و کهنه را اگر شتره نباشد
مصلی از گذشتن دفع کند یا شتره یا شیخ نه بهر دو مسئله اگر نماز گذر بار چ
دو نه که استر آن نجس باشد اگر آن دو نه نجس نباشد نماز صحیح باشد و اگر نجس باشد
صحیح نباشد و اگر بار چ کهنه سینه نماز بخواند که کطرف از آن نجس باشد نماز روا باشد
از حرکت دادن طرف دیگر طرف متحرک شود یا نشود و اگر بار چ دراز باشد کطرفی از آن
پوشیده نماز گزار و طرفی دیگر نجس بر زمین باشد اگر از حرکت مصلی طرف بار چ نجس
متحرک میشود نماز رواست و اگر متحرک نمی شود روا باشد مسئله مکرره است نجس کردن
در نماز بار چ ب بدن اگر عمل قلیل باشد و اگر عمل شریعت مفید است و سنگیزه از موضع سجود
بمسو کردن مکرر صورتیکه سجود ممکن نباشد بکار یا در آب سنگیزه دفع کند و مکرره است

۱۱ یعنی اگر بکشد
۱۲ یعنی نماز شکرست و بعد گفت
و اگر آن فاضل از زبان آورد و در سجده
صوت نماز داخل شود
۱۳ که باز روایت نموده فرموده است
صلی الله علیه و سلم اگر در آنکه در نماز
بود است از آنکه استاه اند چنانچه
بکشد و شکر شود و اگر در آن
سجده شود و اگر در آن
کوبان افضل است و اگر در آن
۱۴ نماز از آنکه بکشد و افضل است
۱۵ ای نماز شتره و شیخ و در آنکه بکشد
۱۶ زن بکشد و در آنکه بکشد
۱۷ بکشد و در آنکه بکشد
۱۸ مکرره است اگر چه نماز فاسد نشود
۱۹ و بکشد نماز بار چ بکشد
۲۰ اگر در آنکه بکشد
۲۱ اگر در آنکه بکشد
۲۲ نجس بر بدن
۲۳ بکشد و در آنکه بکشد
۲۴ بکشد و در آنکه بکشد
۲۵ بکشد و در آنکه بکشد

نماز جمعه بر طفل و بنده و زن و مسافر و مریض واجب نیست و همچنین بر نابینا
 نزد امام اعظم اگر چه او را قائلند میسر شود و نزد ائمه ثلثه اگر قائلند میسر شود جمعه
 بر نابینا واجب باشد و الا نه و بر بنده نزد احمد جمعه واجب است **مسئله**
 اگر بنده یا زن یا مریض یا مسافر نماز جمعه بگذراند او اشو و و طهر ساقط گردد
 و کسی که خارج مصر میباشد اگر اذان جمعه می شود بر وی حضور جمعه لازم است
 بنده و مریض مسافر اگر چه جمعه امام گیرند و با باشد و اگر جماعت مسافر
 در مصر نماز جمعه بگذراند و کسی نباشد نزد امام اعظم جمعه صحیح است و نزد
 ساقی واجب تا که چهل کس مقیم حریج نباشد جمعه روا نباشد **مسئله** غیر معذور
 اگر پیش از نماز جمعه بگذراند او اشو و با اگر است تحریم ستر اگر برای جمعه سعی کرد و امام
 میخواند از جمعه فارغ نشده است ظهر باطل شد پس اگر جمعه را یافت بهتر و الا ظهر یا ز
 گذارد و نزد جمعه چنین اگر جمعه ظهر باطل نشود **مسئله** معذور و سحر
 روز جمعه نماز ظهر جماعت گزاردن مکروه است **مسئله** هر که امام را در جمعه
 در تشهد یا در سجود سجود ریافت و داخل نماز شد بعد سلام امام دو رکعت جمعه
 تمام کند و نزد مجاهد اگر از رکعت ثانیه رکوع نیافیه است چهار رکعت ظهر بر همان
 مستحبیه تمام کند **مسئله** چون جمعه را اذان اول گفته شود سعی واجب گردد و هیچ
 حرام نشود و چون امام بر آید برای خطبه سخن گفتن و نماز کردن ممنوع باشد تا که از
 خطبه فارغ شود و چون امام بر منبر نشیند اذان دوم و بروی او گفته شود

بنا بر ظاهر حدیثی که در این باب است
 بنا بر جمیع اتفاق واجب است
 بنا بر ظاهر حدیثی که در این باب است

بنا بر ظاهر حدیثی که در این باب است
 بنا بر جمیع اتفاق واجب است
 بنا بر ظاهر حدیثی که در این باب است

بنا بر ظاهر حدیثی که در این باب است
 بنا بر جمیع اتفاق واجب است
 بنا بر ظاهر حدیثی که در این باب است

بنا بر ظاهر حدیثی که در این باب است
 بنا بر جمیع اتفاق واجب است
 بنا بر ظاهر حدیثی که در این باب است

بنا بر ظاهر حدیثی که در این باب است
 بنا بر جمیع اتفاق واجب است
 بنا بر ظاهر حدیثی که در این باب است

بنا بر ظاهر حدیثی که در این باب است
 بنا بر جمیع اتفاق واجب است
 بنا بر ظاهر حدیثی که در این باب است

بنا بر ظاهر حدیثی که در این باب است
 بنا بر جمیع اتفاق واجب است
 بنا بر ظاهر حدیثی که در این باب است

و در نماز جمعه سوره جمع و منافقون خواندن سنون و بر و ایتی سنج است
 و این است **مسئله** در یک نهز جمع خد جا جائز است و بر و ایتی از امام
 سوا ی کجا جائز نیست و مروی از ابی یوسف آن است که اگر در میان شهر
 نهز جاری باشد هر دو جانب آن جمعه خواندن جائز است **فصل** در نمازها
 و اجبه سوا ی نماز چنگانه دیگر نماز نزد اکثر ائمه و جانیست و نه از امام اعظم نماز
 واجب است و عید الفطر و عید اضحی بخیزه واجب است و عید این سه نماز
 سنت موكده اند و وتر ۳ ركعت است نزد امام اعظم يك سلام در هر ركعت
 فاسحه و سوره خواهد و بعد قرائت پیش از ركوع و ركعت سی و هفت است
 تمام سال و نزد شافعی قنوت در نصف اخر رمضان خوانده و قنوت نماز
 بعد ركوع در غوم سنون است و قنوت نماز فجر و عتبت نماز و نزد شافعی
 و شعب آن است که در ركعت اولی از وتر سبع اسم و در ركعت دوم قیل یا ایها
 و در ركعت سیوم قیل هو الله احد خواهد **مسئله** نماز عید را شرط وجوب
 و او امیل نماز جمعه است مگر آنکه خطبه در آن شرط نیست بلکه دو خطبه مثل جمعه بعد
 نماز عید ستون است در آن خطبه مناسب آن روز احکام صدقه فطر با احکام صحیح
 و تکبیرات تشهید بیان کنند **مسئله** روز عید الفطر سنت آن است که او
 خیری بخورد و صدقه فطر دهد و سوا لکند و غسل کند و حنظل بخورد و خوشبو

عنه
 بعد از این سوره
 در نماز جمعه سوره جمع و منافقون خواندن سنون و بر و ایتی سنج است
 و این است **مسئله** در یک نهز جمع خد جا جائز است و بر و ایتی از امام
 سوا ی کجا جائز نیست و مروی از ابی یوسف آن است که اگر در میان شهر
 نهز جاری باشد هر دو جانب آن جمعه خواندن جائز است **فصل** در نمازها
 و اجبه سوا ی نماز چنگانه دیگر نماز نزد اکثر ائمه و جانیست و نه از امام اعظم نماز
 واجب است و عید الفطر و عید اضحی بخیزه واجب است و عید این سه نماز
 سنت موكده اند و وتر ۳ ركعت است نزد امام اعظم يك سلام در هر ركعت
 فاسحه و سوره خواهد و بعد قرائت پیش از ركوع و ركعت سی و هفت است
 تمام سال و نزد شافعی قنوت در نصف اخر رمضان خوانده و قنوت نماز
 بعد ركوع در غوم سنون است و قنوت نماز فجر و عتبت نماز و نزد شافعی
 و شعب آن است که در ركعت اولی از وتر سبع اسم و در ركعت دوم قیل یا ایها
 و در ركعت سیوم قیل هو الله احد خواهد **مسئله** نماز عید را شرط وجوب
 و او امیل نماز جمعه است مگر آنکه خطبه در آن شرط نیست بلکه دو خطبه مثل جمعه بعد
 نماز عید ستون است در آن خطبه مناسب آن روز احکام صدقه فطر با احکام صحیح
 و تکبیرات تشهید بیان کنند **مسئله** روز عید الفطر سنت آن است که او
 خیری بخورد و صدقه فطر دهد و سوا لکند و غسل کند و حنظل بخورد و خوشبو

[illegible]

استعمال کند و تکبیر کو بیان بمضی رود لیکن هر چه تکبیر نکند و چون آفتاب بلند شود
و چشم خیر کی نماید از آنوقت با پیش از زوال وقت نماز عیدین است و چون
نماز عید خواند بعد تحریر در رکعت اول سه تکبیر زوائد گوید و با هر تکبیر هر دو دست
بر وارد و بعد تکبیرات ثانی خواند و در رکعت دوم بعد قرائت پیش از رکوع
سه تکبیر زوائد گوید و با هر تکبیر هر دو دست بر وارد و تسبیح تکبیر رکوع گوید این
تکبیرات و تسبیحات ^{در روز عید} واجب است اگر فوت شود سجده سهو
لازم گردد و اگر عمدآثر کند نماز مکرر و هر چه می کرد دو نماز عیدین اگر کسی همراه
امام و یا بنا بر آنرا قضا نیست و اگر بعد از نماز عید الفطر از امام و قیوم فوت شود
بعد از آنکه او کند نه بعد از آن و عید اصحی تا خیر تا دو اذان و دوم جائز است
و عید اصحی مثل عید الفطر است مگر آنکه مستحب آن است که بعد از نماز از آن
خود بخورد و قبل نماز هم خوردن مکروه نیست و صحیح پیش از نماز جائز نیست و
تکبیر در راه منضی در عید اصحی چهار میگفته باشد ^{مسئله} تکبیرات تشریق بعد
از نماز فرض که جماعت گردیده شود بر مقیم بمصر واجب است از صبح روز عید تا عصر
روز عید نزد امام اعظم و تا عصر تا پنج روز تمام نزد صاحبین و قیومی بر آن
و اگر زن یا مسافر اقامه بمقیم کند بر آنها هم تکبیر واجب شود بگوید یکبار یا دو
بگوید الله اکبر الله اکبر لا اله الا الله والله اکبر الله اکبر و تسبیح و اگر امام
کند تا سه مرتبه و هر که از این سوا قبل سنت قبل نماز و در کعبه سه سوره کافرون

وہاں پہنچ کر ان کے ساتھ بیٹھ کر کچھ دیر تک بات چیت کی۔

و اخلاص در آن خواند و پیش از نماز هر جمعه چهار رکعت است یک سلام بعد
ظهور دو رکعت است و بعد جمعه چهار رکعت است و نزد ابی یوسف شش رکعت
و مستحب آن است که چهار رکعت بعد ظهر گزارد و بدو سلام و پیش از نماز عصر دو رکعت
یا چهار رکعت مستحب است و بعد نماز مغرب دو رکعت سنت است و بعد از آن
شش رکعت دیگر مستحب است که آنرا صلوٰۃ الاوائل گویند و بروایتی بعد نماز
بست رکعت آمده و پیش از غنا چهار رکعت است و بعد غنا دو رکعت
سنت است و چهار رکعت دیگر مستحب است و بعد وتر دو رکعت سنت شده خواندن
مستحب است در رکعت اولی او اتر لیت الارض و راحیه قلب بالها الکمال
خواند و نماز توحید سنت موهکه است پیغمبر صلی الله علیه وسلم گاهی بی تکبیر
و اگر احتیاطاً فوت شده دوازده رکعت در روز قضا فرموده و نماز
از چهار رکعت کمتر نیامده و از دوازده رکعت زیاده هم مجتنب نیست
پیغمبر صلی الله علیه وسلم نماز وتر بعد توحید میخواند سنت نهی است
هرگز بر نفس خود اعتماد باشد و تر بعد توحید آخر شب بخواند که این بهتر است
و اگر اعتماد نباشد پیش از خواب بخواند که احتیاط در آن است پیغمبر صلی الله علیه
وسلم گاهی بتجدیع و تسبیح رکعت خوانده و گاهی بی و گاهی پانزده و گاهی بیست
و گاهی بیست و پنج رکعت و تراویح و کلمات الهی و حزن بین
و گاهی پانزده و گاهی بیست و گاه و گاهی چهار رکعت یا سه رکعت یا دو رکعت
در هر وقت از هر وقت بخواهد و هرگاه که در هر وقت
یک سلام و گاهی هر دو رکعت یا وضو میگیرد و مسأله خوانده و بعد هر دو رکعت

در چهار رکعت قبل از هر نماز
 رسول الله صلی الله علیه و آله
 و سلم را تسبیح کند و آن تسبیح
 شصت و سه مرتبه باشد و در آخر
 که در حدیث ثورث آمده
 رکعت قبل از هر چهار رکعت
 آن هم خواند که در او آمده
 تعالی را تسبیح ۱۲
 عه و چهار رکعت اولی
 است که فرمود رسول خدا
 صلی الله علیه و آله و سلم تسبیح کند
 و آن تسبیحی است که در حدیث آمده
 ای رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم
 که قبل نماز عصر چهار رکعت
 ۵۰ مرتبه از تسبیح
 رکعت داخل خواهد شد
 و او این گفته است
 در حدیث که در حدیث آمده
 غفور را بیدرست است
 خدا را بیدرست است
 ای جمع کنندگان

نحوه رفته و باز بیدار شده و طول قیام در سجده بسیار میفرمود و تا سجده که
با سپاهی مبارک ورم کرده و منشق شده گاهی چهار رکعت گزارده در رکعت اولی
سوره بقره و در رکعت ثانیه سوره آل عمران و در ثالثة سوره نسا و در رابعه سوره
مائده خوانده و بقدریکه قیام کرده همان قدر رکوع و همچنین قوسه و همچنان
سجود و همچنین جل و افر میزد و گاهی در یک رکعت این هر چهار سوره جمع
میفرمود و حضرت عثمان در یک رکعت و تمام قرآن ختم کرده لیکن سبب
آنست که بعد از آنکه بخواند که دوام ببرد و توان کرد و راهی یک ختم کند یا
در ختم یا سه ختم و اگر سه ختم و سه وقت شب میفرمود و شب اول سه سوره
بقره آل عمران و نسا و شب دوم پنج سوره باز سه سوره باز سه سوره
باز پنج سوره باز سه سوره باز تا آخر قرآن و این ختم را فرموده است
تا بعد از قرآن به بریل خواند و سبب آن است که نماز جمیع مجامعت خوانده
تا بلند شدن آفتاب در ذکر مشغول باشد از نماز و دو کانه نفل گزارد ثواب
یک حج و یک عمره کامل در یابد و اگر چهار رکعت اول روز بخواند حق تعالی
میفرماید که تا آخر روز او را کفایت کنم و این را نماز اشراق گویند نماز شصت
و چون آفتاب گرم شود پیش از زوال نماز صبحی شصت رکعت از سبب صلی الله علیه
و آله و بعد از زوال پیش از ظهر چهار رکعت نفل مروی شده و هرگاه که
و ضوحد بگذرد و گاهی پنج رکعت الوضوحت است و هرگاه در سجده در آید دو رکعت

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على سيدنا محمد
وآله الطيبين الطاهرين

یا جاکانه بحین درخسوف ماه وطلعت وشدت باد ووزلزله وماندن نماز
طلب باران برای استسقا کاهی رسول الله صلی الله علیه و سلم فقط دعا فرموده
و کاهی در خطبه جمعه و عاموده و عمر رضی الله عنه برای استسقا برآمد و استسقا نمود و
بس و لهذا نزد امام اعظم در استسقا ما رست مکه نیست بلکه گفته که استسقا
دعا و استسقا رست و اگر نماز کرد از تنها تنها یا نیت لیکن این بنی صلی الله علیه و سلم
بر وایت صحیح در استسقا نماز بجاعت ثابت شده نه از این جهت و نه از آن جهت
علما گفته اند که امام همراه جماعت مسلمین می براید و گفتار هر یک از شماست و امام
باجاعت دو کانه نماز کرد و حرکت بجهت خاوند و بعد نماز مثل عید و خطبه خود
و استسقا کند و دعا و استسقا با و عبه ما نوره بخواند اللهم استسقا عبدا غفیرا
نافعاً غیر ضار عاجلاً غیر آجل ائت اللهم عبادک و بکارتک و ائزل هممک
و احي بلک الکلیت و نحو ذلک و امام چادر خود را انداخته و فرمود صلوات
و احب شود و اگر فاسد کند دو کانه قصا کند و نرو امام بی و یوسف اگر نیت چنان
کرده و پیشین فعه اولی فاسد کرده چهار رکعت قصا کند و همین خلافت و اگر
چهار رکعت نفس کرار و فراتر هر چهار رکعت ترک کند یا در یک رکعت از سه فعه
ثانیه قرأت کند و پس و اگر قرأت کرد و در دو رکعت اولی یا در دو رکعت از سه فعه
یا در یک رکعت از سه فعه یا از آخرین قرأت ترک کرده با اتفاق دو کانه
کند و اگر قرأت کرد در یک رکعت از او گین نه یا در یک رکعت از او گین و یکی از آخرین

و در وقت غروب و در وقت طلوع و در وقت استسقا و در وقت دعا و در وقت نماز و در وقت...

در وقت غروب و در وقت طلوع و در وقت استسقا و در وقت دعا و در وقت نماز و در وقت...

سید و ۱۱
 سید و ۱۲
 سید و ۱۳
 سید و ۱۴
 سید و ۱۵
 سید و ۱۶
 سید و ۱۷
 سید و ۱۸
 سید و ۱۹
 سید و ۲۰
 سید و ۲۱
 سید و ۲۲
 سید و ۲۳
 سید و ۲۴
 سید و ۲۵
 سید و ۲۶
 سید و ۲۷
 سید و ۲۸
 سید و ۲۹
 سید و ۳۰
 سید و ۳۱
 سید و ۳۲
 سید و ۳۳
 سید و ۳۴
 سید و ۳۵
 سید و ۳۶
 سید و ۳۷
 سید و ۳۸
 سید و ۳۹
 سید و ۴۰
 سید و ۴۱
 سید و ۴۲
 سید و ۴۳
 سید و ۴۴
 سید و ۴۵
 سید و ۴۶
 سید و ۴۷
 سید و ۴۸
 سید و ۴۹
 سید و ۵۰
 سید و ۵۱
 سید و ۵۲
 سید و ۵۳
 سید و ۵۴
 سید و ۵۵
 سید و ۵۶
 سید و ۵۷
 سید و ۵۸
 سید و ۵۹
 سید و ۶۰
 سید و ۶۱
 سید و ۶۲
 سید و ۶۳
 سید و ۶۴
 سید و ۶۵
 سید و ۶۶
 سید و ۶۷
 سید و ۶۸
 سید و ۶۹
 سید و ۷۰
 سید و ۷۱
 سید و ۷۲
 سید و ۷۳
 سید و ۷۴
 سید و ۷۵
 سید و ۷۶
 سید و ۷۷
 سید و ۷۸
 سید و ۷۹
 سید و ۸۰
 سید و ۸۱
 سید و ۸۲
 سید و ۸۳
 سید و ۸۴
 سید و ۸۵
 سید و ۸۶
 سید و ۸۷
 سید و ۸۸
 سید و ۸۹
 سید و ۹۰
 سید و ۹۱
 سید و ۹۲
 سید و ۹۳
 سید و ۹۴
 سید و ۹۵
 سید و ۹۶
 سید و ۹۷
 سید و ۹۸
 سید و ۹۹
 سید و ۱۰۰

کتاب اجتماع

موت را همیشه یاد داشتن و وصیت نامه با وجوب به الوصیت همراه داشتن
مستحب است و در وقت غلبه یمن بموت واجب است در حدیث است
هر که هر روز نسبت مرتبه بموت را یاد کند در جهنم شهادت یابد ^{مسئله}
چون مسلمان مشرف ^۱ بموت شود ^۲ یقین شهادتین کرده شود ^۳ و سوره ایس
بر سرش خوانده شود و چون بمیرد ^۴ و من وحشیم او پوشانده شود و در حق او

[illegible]

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

و تفکیک اراده تکفیر نماید اول لفافه بکسره اند پس بر و از اربعه معصم را و بجز بعد و طاق نموده شمال عظمی اند پس بر و
را بر قبض غلطانیده سر او از چپ که راست و نصف قبض را بالای و بگردانند و جامه که بر پای خشک شدن بر سر وی او بسته
بودند بر وی کشند و جنوب بر سر و ورش ده مالدیه طرف زار را از جانب بسیار مرده بگردانند بعد از جانب بین او بعد
لفافه را از جانب چپ و بعد از جانب راست او اگر زن باشد سینه بند را در میان از او لفافه و سرچ نمایند مرده را
در کاغان نهاده و قبض اگر اندیده سر او و نیمه نمایند و امنی را بر سرش داشته نصف بر یک نیمه و نصف بر روی به چپ
و نیمه از دست و نیمه از چپ سینه اش بینه بعد از او بطور معلوم به چپ بینه بند را همان طور بر سینه لفافه را بطور مذکور به چپ
این طریقه را صاحب بحر الرائق از فتاوی و جواب نقل نموده و در بعض کتب سینه بند را بر کفها بستن بهتر نوشته اند که کف را نشانه
محفوظ باشد ۱۲ زاد اللیب * رکن نماز جنازه ستاده شدن است مقابل جزوی از اجزاء است حتی که اگر سر را بجا یا سهوا
نمایند جائز است مگر افضل آنست که ستاده شود و امام مقابل سینه و ظاهر امر مرده را با یزین زیر که شفاعت بر آید است و سینه محل
سینه این اشاره است که با لفافه میگیریم بر آید این و نما که تجاوز کند بخلاف اعضا و اگر کلش با عدو صلیان از چپ کلش
که حدیث شریف آمده ما من سئل عن رجل مات علی جنازة فیرفعون رجلا لا یسیر کون بالید فیسألوا شفعهم الله فیرفعه و در حدیث
آمده من صلی علیه ثلثة صفوف غیره که لهذا گفته اند که اگر هفت کس هم میسر شوند متصفیان بنودی امام شود پس او
سیکس چنان و کس و یکس و نصف آخر ۱۲ در مختار و زاد اللیب * مسلم و نزدی و نسائی این را جواب ابن ابی شیبہ از عرو
بن مالک است بخبر روایت نموده اند که رسول الله صلی الله علیه و سلم بر جنازه مردی این دعا بخواند اللهم اغفر له و ارحمه و عافه
و اغفر عنه و اکریم له و وسیع مدخله و اغسله بالماء و الثلج و البرد و تغفر من الذنایا کما تغفر الذنوب الا بیض من الذنوس
ابدله و ارحم الراحمین و ارحم الراحمین امله و در جنازه این زوجه و او دخل الجنة و اعطه من عذاب القبر و عذاب
النار کتف خوف تا که از نو دم که کاشکی من آن مرده می بودم ۱۲ بحر الرائق و عز شیع فوج القدر * و حاکم از ابن عباس نقل
آورده اللهم عبدک و ابن امتیک کان یشهد ان لا اله الا انت وحدک لا شریک لک و یشهد ان محمدا عبدک و
رسولک اخرج فقرا الی رحمتک و اصبح غنیاً عن عذاب تخلی من الدنیا و اهلها ان کان زکایا فزکوه و ان کان عقیلاً
فاغفر له اللهم لا تحرمنا اجره و لا تضلنا بعده و ابوداؤد و نسائی از ابوهریره روایت نموده اللهم انت ربها و
انت خلقتها و انت بدیتها للسلام و انت قبضت روحها و انت اعلم بسرائرنا و عافیتنا عنا شفعاء فاعف عنا و اگر
مرد باشد که ۱۲ * و ابوداؤد و ابن ماجه روایت و ائمه بن الاسقع روایت نموده اللهم ان فلان بن فلان فی ذنوبک
و حبل جوارک فقم من قبره و عذاب النار و انت اهل الوفا و ارحم الراحمین اللهم فاعف عنه و ارحمه انک انت الغفور الرحیم
۱۲ حرز حرمین * و نماز جنازه و قد نطلع و غروب قیام قیام کرده است و اگر خواند نماز عاده برایشان لازم نیاید ۱۲ زاد اللیب *
بر قائل نفس خود را خیر نماید باشد نماز گزارده شود و در طرفین و همین است مختار که انی خرافه الروایات بحر الرائق ۱۲ زاد اللیب *

در فساد و غراب نوشته که اگر جنازه بر خاک است ایستاد و در پای جوی آب یا پوش پوشیده است نمازش روا
نباشد و اگر با پیش از بار آورد و بر این ایستاد نمازش روا خواهد شد بشرط طهارت ۱۲ از اول العیب
مجموع کند از جنازه بی نماز و بعد نماز قبل و دفن با جازات اهل میت رواست و بعد دفن مختار است حاجت اجازت نمیشد
از اول العیب * و اگر کسی ترک خواب کرد نمازش خوانده شد ۱۲ از او باز نگردد و اگر بگوید که این فعل
اهل کتاب است و کلام بخیزی از امور دنیا پس جنازه کرده است که موجب قضاوت قلب است ۱۲ و مختار است جامع از
قول و عمل در قبر کرده شود اگر زمین نرم باشد و اگر نرم باشد شق یعنی صندوقی بهتر است بلکه تابوت از چوب غیره ساختن
در اینجا که زمین نرم باشد مثل نجار یا خوف بیرون کردن مردگان باشد بهتر است مگر باید که اگر در میت شست خام دارند
و تخمه بالای رانم که گل کنند ۱۲ از اول العیب * و کندین قبر کم از نصف قامت نباید و زیاده از آن ناقص است بهتر است
و طولش بقدر طول میت و عرض بقدر نیم قامت ۱۲ جامع از سوز شیخ عبدالحی در شرح مشکوٰه نوشته استخوانی کردن
کرده شود هر چه در قبه شهر خود پوشیده نیست که در نقل نمودن مشغول شدن است و بعضی در آن تاخیر فرست
اوست و همین وجه برای کرامت کافیت و در فساد و غراب نوشته که خبر در نجوای اهل خیر ساخته شود که موجب منفعت
و برکت است و نیز از آنست که در جوی سکونت خود دفن کرده شود که این سنت انبیاء است خاصه و اگر وصیت نمود
مرد که دفن کرده شود در جوی خود پس صیت او باطل است زیرا که در وصیت او قیاس نیست نه او را نه را حق کسی از
مسلمانان و در عقیده اهل البدن گفته بهتر است که متوفی دفن او شوند کسانیکه متوفی غسل او شده باشند و دفن او
غراب گفته سزاوار است که دفن کنندگان فرستادن میت و امینان و صالحان باشند و در بجز اراوق گفته که
دور محرم بهتر است از همه برای دفن زن و دور محرم غیر محرم بهتر است از اجنبی و اگر نباشد پس پارسا ترین محله در قبر
در آید و در فساد و غراب نوشته که جفت و طاق در دفن کنندگان برابر است و در قبر پهلوی است متوجه قبله نیست
و شست خام زیر سیروی گذارند و کرده های کفن بکشایند و بعد نهادن در قبر و شش کشادن جنازه است و بعد دفن
را کشادن لی آنکه در زمین معصوب دفن کرده باشند یا چیز محلو کسی در آن مانده باشد کرده تحریمی است و در حجره
گفته که خشت پنجه و تخمه در قبر نمودن مکروه است که اینها برای استحکام عمارت اند و قبر مقام نهکی است و هیچ نوشته
که خشتها و قبر متصل بدن میت می باشند و او را این منافع نیست و در مجمع البحرین و در مختار که است خشتها
را متعینه بآن صورت نموده که زمین سخت باشد و تخمه متصل بدن میت باشد و اگر بالایی او باشد یا زمین نرم باشد
و تیار نمودن تابوت برای میت حاجت افد کرده نیست مگر سبب آنست که زیارت فرشتگان نمایند و گوی
نشتها می خام بدارند و تخمه های بالایی را که گل نمایند و در شش دفن نمودن منتهی است چنانکه حضرت فاطمه زهرا
رضی الله عنها و حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنهما و ثواب کنندگان نزد قبر محرم کرده نیست همین است

[illegible]

سیکردانند آنرا باید که پیر کینداز دروغ و خیافت و غیبت و سخن صنی و نجاست بول که اگر عذاب قبر ازین چیزهاست ۱۲
 ترجمه شرح الصدور زاد اللیب * در کفر العباد از تخفیس نقل نموده که در بسیاره خوانی اختلاف است اگر خوانند چنان
 باید خواند که یکدیگر را نشنوند ۱۲ زاد اللیب * هر که قرآن با جرات خواند سختی ثواب نه خواننده باشد و نه هر که برای وی
 خواند و اگر کسی خواند بی شرط اجرت بعد از چیزی و از ثواب میت بوی و نهد مضائق نیست ۱۲ زاد اللیب طریقه محمدیه *
 و در فتاوی غراب نوشته که مستحب است که تصدق کنند از میت تا سه روز و اگر زیاده کنند بهتر است و در خزانه
 الروایات تأیید روز نوشته و در خزانه جلالی از عین العلم روز اول قبل که شش شب بسیار تاکید نوشته و در خزانه
 الروایات نوشته که اگر چیزی نیابند دو رکعت نماز برای ایشان گزارند صاحب الناسک گفته که زیارت اموات
 در روز جمعه بعد نماز بهتر است و روز شنبه تا طلوع آفتاب و روز پنجشنبه در اول روز و بعضی گفته و در آخر روز و همچنین در
 شبهای متبرکه خصوصاً لیلۃ البراءه و در ازمنه متبرکه مثل عشره ذیحجه و عیدین و عاشورا و شنبه عبدالحق گفته که متعارف در
 آخرین اول روز جمعه است ۱۲ زاد اللیب * در کفر العباد گفته که زیارت کند قبل از این خود را در هر جمعه و سهو و
 یس خوانده ثوابش بروج ایشان پنجشنبه تمامی حقوق ایشان را ادا کرده باشد که دعا و والدین را پس بر نماز پنجگانه
 و روز سازد از حقوق شان ادا شود و در فتاوی غراب گفته که تصدق به میت کل و ریاضین از نهادن آنها بر قبر بهتر است
 زاد اللیب * وصیت بضعایف نمودن مردمان روز مردن یا بعد از آن یا بعد از آن سبایف معصیه کسی که قرآن برای
 ترویج روح او خواند یا تسبیح یا تهلیل خواند یا نزد قبری چهل روز یا کم یا زیاده بخواند یا وصیت نمودن با آنکه بجز قبری
 مقبره و غیر آن تیار سازند یا سبایف نقد رای یکی ازین امور وقف نمودن مبدء عتقهای منکرة هستند و وقف و وصیت
 هر دو باطل اند و هر که بوضو یا نیت کند که کعبه است چه جا ثواب که بران مبتنی باشد ترویج روح میت ۱۲ طریقه محمدیه *
 آنچه کرد و روضه مطهره جناب سرور انبیا حظیره شریف دعات بنا کرده اند پیش رسول الله صلی الله علیه و سلم بدان خویش
 کرده و خلفاء را شنید و غیره بناموده اند بلکه بعد از دعات و از خد صومعه داران از پیروان یمن و مدینه منوره قیام
 ورزیدند بر ساندن نقب مشغول شدند و قریب قبر شریف سیده بود که جناب نبوی صلی الله علیه و سلم شریف آن
 بلده مطهره را در عالم رویا آگاه فرمودند و وی ایشان را قبل رسانید و بنا بر حفظ گرد و حجره خام جناب حضرت علیه السلام
 رض خطیر مرصوص از بهشت دعات بناموده چنانچه در غیب الصلوة از صلوة سحر و نقل نموده ۱۲ زاد اللیب * و در خزانه
 جلالی از ائمه رضایت نموده که بعضی مایه حق تعالی و فتنه متوجه است از سبب آنکه از بنده خود معصیت را در بدن او یا
 در مال او یا در اولاد او پس پیش آید آن بنده آن معصیت را بصبر جمیل حیا میکنم که روز قیامت برای وی ترازو برپا کنند
 و قتری ششتر سازم یعنی جزای او بجا بکنم بلکه حیا بخوام داد که ما قال فی القرآن المجید انما یؤتی
 الصابرین اجرهم بغير حساب یعنی جز این نیست که صابران اجر خویش بحساب خواهند یافت

۱- حضرت علی (ع) ۲- حضرت فاطمه (ع) ۳- حضرت زین العابدین (ع) ۴- حضرت محمد باقر (ع) ۵- حضرت سید الشهدا (ع) ۶- حضرت امام جعفر صادق (ع) ۷- حضرت امام موسی کاظم (ع) ۸- حضرت امام رضا (ع) ۹- حضرت امام محمد تقی (ع) ۱۰- حضرت امام جواد (ع) ۱۱- حضرت امام حسن مجتبی (ع) ۱۲- حضرت امام حسین (ع) ۱۳- حضرت علی اکبر (ع) ۱۴- حضرت علی نقی (ع) ۱۵- حضرت علی مرتضی (ع) ۱۶- حضرت علی رضا (ع) ۱۷- حضرت علی نقی (ع) ۱۸- حضرت علی مرتضی (ع) ۱۹- حضرت علی رضا (ع) ۲۰- حضرت علی نقی (ع) ۲۱- حضرت علی مرتضی (ع) ۲۲- حضرت علی رضا (ع) ۲۳- حضرت علی نقی (ع) ۲۴- حضرت علی مرتضی (ع) ۲۵- حضرت علی رضا (ع) ۲۶- حضرت علی نقی (ع) ۲۷- حضرت علی مرتضی (ع) ۲۸- حضرت علی رضا (ع) ۲۹- حضرت علی نقی (ع) ۳۰- حضرت علی مرتضی (ع) ۳۱- حضرت علی رضا (ع) ۳۲- حضرت علی نقی (ع) ۳۳- حضرت علی مرتضی (ع) ۳۴- حضرت علی رضا (ع) ۳۵- حضرت علی نقی (ع) ۳۶- حضرت علی مرتضی (ع) ۳۷- حضرت علی رضا (ع) ۳۸- حضرت علی نقی (ع) ۳۹- حضرت علی مرتضی (ع) ۴۰- حضرت علی رضا (ع) ۴۱- حضرت علی نقی (ع) ۴۲- حضرت علی مرتضی (ع) ۴۳- حضرت علی رضا (ع) ۴۴- حضرت علی نقی (ع) ۴۵- حضرت علی مرتضی (ع) ۴۶- حضرت علی رضا (ع) ۴۷- حضرت علی نقی (ع) ۴۸- حضرت علی مرتضی (ع) ۴۹- حضرت علی رضا (ع) ۵۰- حضرت علی نقی (ع) ۵۱- حضرت علی مرتضی (ع) ۵۲- حضرت علی رضا (ع) ۵۳- حضرت علی نقی (ع) ۵۴- حضرت علی مرتضی (ع) ۵۵- حضرت علی رضا (ع) ۵۶- حضرت علی نقی (ع) ۵۷- حضرت علی مرتضی (ع) ۵۸- حضرت علی رضا (ع) ۵۹- حضرت علی نقی (ع) ۶۰- حضرت علی مرتضی (ع) ۶۱- حضرت علی رضا (ع) ۶۲- حضرت علی نقی (ع) ۶۳- حضرت علی مرتضی (ع) ۶۴- حضرت علی رضا (ع) ۶۵- حضرت علی نقی (ع) ۶۶- حضرت علی مرتضی (ع) ۶۷- حضرت علی رضا (ع) ۶۸- حضرت علی نقی (ع) ۶۹- حضرت علی مرتضی (ع) ۷۰- حضرت علی رضا (ع) ۷۱- حضرت علی نقی (ع) ۷۲- حضرت علی مرتضی (ع) ۷۳- حضرت علی رضا (ع) ۷۴- حضرت علی نقی (ع) ۷۵- حضرت علی مرتضی (ع) ۷۶- حضرت علی رضا (ع) ۷۷- حضرت علی نقی (ع) ۷۸- حضرت علی مرتضی (ع) ۷۹- حضرت علی رضا (ع) ۸۰- حضرت علی نقی (ع) ۸۱- حضرت علی مرتضی (ع) ۸۲- حضرت علی رضا (ع) ۸۳- حضرت علی نقی (ع) ۸۴- حضرت علی مرتضی (ع) ۸۵- حضرت علی رضا (ع) ۸۶- حضرت علی نقی (ع) ۸۷- حضرت علی مرتضی (ع) ۸۸- حضرت علی رضا (ع) ۸۹- حضرت علی نقی (ع) ۹۰- حضرت علی مرتضی (ع) ۹۱- حضرت علی رضا (ع) ۹۲- حضرت علی نقی (ع) ۹۳- حضرت علی مرتضی (ع) ۹۴- حضرت علی رضا (ع) ۹۵- حضرت علی نقی (ع) ۹۶- حضرت علی مرتضی (ع) ۹۷- حضرت علی رضا (ع) ۹۸- حضرت علی نقی (ع) ۹۹- حضرت علی مرتضی (ع) ۱۰۰- حضرت علی رضا (ع)

تجیل کرده شود مثل چو ن غسل و او ده شود و غنچه را لغو و سوره سوره بجز
کنند و معده را برهنه کرده عورت پوشیده بروی بازند و کجاست جفتی پاک
کرده با مضمضه و استنشاق وضو کنند و بآبی که اندکی در آن بر کتار بیاهند
آن جوش را ده باشند غسل داده شود و نموی بشین و نموی سر او را بگل
خیر و و مانند آن بسویند اول بر پهلوی چپ عطا نموده سینه بر پهلوی راست
عطا نموده سینه راست پاک بپوشان شود و کتله داده شکم او را آغشته نمایند و
چیزی بر باید پاک کنند و عاده غسل ضرر و نیست بستر از باره چشک کرده خوب
بر سر و ریش و کافور بر شاجد او ببالند و کفن پوشانند سر در آستین پارچه نو
بقول آنی خفته یکی کفنی تا نصف ساق و دو چادر از سر تا قدم و
در حدیث صحیح آمده که بنی صلی الله علیه و سلم را در سه چادر کفن و او ده شد
مقبض و آن نبود و دستار حسین ^ع بر عین است و اگر سه پارچه مدینه نشود و دو پارچه
کفنی کفایت است و حمزه رضی الله عنه را در یک چادر دفن کرده شد اگر سر می
نباشی بر سینه می شد و اگر بای می پوشیدند سر بر سینه می شد آخر حکم آن سه
جانب سر کشیدن و بر پاکباز انداختن و زن را و دو پارچه بر زاده داده شود
یکی در آغوش نموی سر آن چیده بر سینه بنهند و یکی سینه انداز بغل تا زانو و اگر سر
سینه پارچه کفنی کفایت است و عند الضرورت هر چه بهم رسد و مرد و عمار
غسل دادن و کفن کردن و نماز جنازه خواندن و دفن کردن فرض کفایت

[illegible]

تبدیل در آن فرقی را که در خود نیست و در آن است که آن را می خواند و مختلف نیست

و طعام فرستادن برای اهل بیت روز مصیبت است **فصل زیارت**

قبور مردوان را جائز نیست نه زنان را و ست آن است که در مقابر رفته

السلام علیکم یا اهل القبور من المسلمین و المؤمنین اسم لنا سلف و نحن لکم تبع و انما

انشاء الله لکم للملاحون برحم الله المستقرین بنا و المستأجرین اسئل الله لنا و لکم

الغافیه بقره الله لنا و لکم و برحم الله و یا لکم از امیر المؤمنین علی مرتضی است اینمیر

صلی الله علیه و سلم که هر که بر قبر بگذرد و قل هو الله احد یازده بار بخواند هر دو گان

بجسد موافق چهار مردگان او را هم ثواب داده شود و از ابی سرره مرویست مرفوعا

که هر که فاتحه و اخلاص و سوره تکوین بخواند برای مردگان ثواب آن گردد

مردگان برای او شفیع باشند و از اشعریست مرفوعا که هر که سوره یس

بر بخواند بخواند آنها را تخفیف کند حق تعالی و این را ثواب بعد و آنها باشد

فائده اکثر محققان بر آنند که اگر کسی مرده را ثواب نماز یا روزه یا صدقه یا دیگر

عبادت مالی یا بدنی بخشد میرسد مسلمة سجده کردن بسوی قبر انبیا و اولیا

مطوفات قبول کردن و دعا از آنها خواستن و نذر برای آنها قبول کردن حرام است

بلکه ضربای از آنها بکفر میرسد بقره صلی الله علیه و سلم بر آنها لعنت کرده و

از آن منع فرموده **کتاب الزکوة** و گفته که قبر مراب کنید

زکون و دوم از ارکان اسلام زکوة است چون بعضی قبایل عرب بعد وفات

پیغمبر صلی الله علیه و سلم خود را زکوة میدادند ابو بکر رضی الله عنه صدها

در این کتاب از حضرت امام علی علیه السلام نقل شده است که هر که بر قبر بگذرد و قل هو الله احد یازده بار بخواند هر دو گان بجسد موافق چهار مردگان او را هم ثواب داده شود و از ابی سرره مرویست مرفوعا که هر که فاتحه و اخلاص و سوره تکوین بخواند برای مردگان ثواب آن گردد مردگان برای او شفیع باشند و از اشعریست مرفوعا که هر که سوره یس بر بخواند بخواند آنها را تخفیف کند حق تعالی و این را ثواب بعد و آنها باشد فائده اکثر محققان بر آنند که اگر کسی مرده را ثواب نماز یا روزه یا صدقه یا دیگر عبادت مالی یا بدنی بخشد میرسد مسلمة سجده کردن بسوی قبر انبیا و اولیا مطوفات قبول کردن و دعا از آنها خواستن و نذر برای آنها قبول کردن حرام است بلکه ضربای از آنها بکفر میرسد بقره صلی الله علیه و سلم بر آنها لعنت کرده و از آن منع فرموده کتاب الزکوة و گفته که قبر مراب کنید زکون و دوم از ارکان اسلام زکوة است چون بعضی قبایل عرب بعد وفات پیغمبر صلی الله علیه و سلم خود را زکوة میدادند ابو بکر رضی الله عنه صدها

در این کتاب از حضرت امام علی علیه السلام نقل شده است که هر که بر قبر بگذرد و قل هو الله احد یازده بار بخواند هر دو گان بجسد موافق چهار مردگان او را هم ثواب داده شود و از ابی سرره مرویست مرفوعا که هر که فاتحه و اخلاص و سوره تکوین بخواند برای مردگان ثواب آن گردد مردگان برای او شفیع باشند و از اشعریست مرفوعا که هر که سوره یس بر بخواند بخواند آنها را تخفیف کند حق تعالی و این را ثواب بعد و آنها باشد فائده اکثر محققان بر آنند که اگر کسی مرده را ثواب نماز یا روزه یا صدقه یا دیگر عبادت مالی یا بدنی بخشد میرسد مسلمة سجده کردن بسوی قبر انبیا و اولیا مطوفات قبول کردن و دعا از آنها خواستن و نذر برای آنها قبول کردن حرام است بلکه ضربای از آنها بکفر میرسد بقره صلی الله علیه و سلم بر آنها لعنت کرده و از آن منع فرموده کتاب الزکوة و گفته که قبر مراب کنید زکون و دوم از ارکان اسلام زکوة است چون بعضی قبایل عرب بعد وفات پیغمبر صلی الله علیه و سلم خود را زکوة میدادند ابو بکر رضی الله عنه صدها

40

غزیرا کہ مسکوق قرآن ہے ۱۲

۱۰
 ۱۱
 ۱۲
 ۱۳
 ۱۴
 ۱۵
 ۱۶
 ۱۷
 ۱۸
 ۱۹
 ۲۰
 ۲۱
 ۲۲
 ۲۳
 ۲۴
 ۲۵
 ۲۶
 ۲۷
 ۲۸
 ۲۹
 ۳۰
 ۳۱
 ۳۲
 ۳۳
 ۳۴
 ۳۵
 ۳۶
 ۳۷
 ۳۸
 ۳۹
 ۴۰
 ۴۱
 ۴۲
 ۴۳
 ۴۴
 ۴۵
 ۴۶
 ۴۷
 ۴۸
 ۴۹
 ۵۰
 ۵۱
 ۵۲
 ۵۳
 ۵۴
 ۵۵
 ۵۶
 ۵۷
 ۵۸
 ۵۹
 ۶۰
 ۶۱
 ۶۲
 ۶۳
 ۶۴
 ۶۵
 ۶۶
 ۶۷
 ۶۸
 ۶۹
 ۷۰
 ۷۱
 ۷۲
 ۷۳
 ۷۴
 ۷۵
 ۷۶
 ۷۷
 ۷۸
 ۷۹
 ۸۰
 ۸۱
 ۸۲
 ۸۳
 ۸۴
 ۸۵
 ۸۶
 ۸۷
 ۸۸
 ۸۹
 ۹۰
 ۹۱
 ۹۲
 ۹۳
 ۹۴
 ۹۵
 ۹۶
 ۹۷
 ۹۸
 ۹۹
 ۱۰۰

و مسائل عاشره که بر طریق و شواہع باشد مذکور نکرده شد مسئله اگر مسلمان یا ذمی کما
مذکر از زیر یا ثقله یا آئین یا آئین یا مانند آن در صحرا یافت پنج حصه از آن کز قه شود و چهار
حصه باینده راست اگر زمین ملوک کسی نیست و اگر ملوک است چهار حصه ملک را
و اگر در خانه خود یافت نیز دامام اعظم در آن خمس واجب نیست و نیز در حبس و
و اگر در زمین زراعتی خود یافت در آن دو روایت است مسئله اگر گنجی یافت
و اگر در آن علامت اسلام است مثل سکه اهل اسلام آنرا حکم نفع است مالکش را
اما شش کرده نباید رسانید و اگر در آن علامت کفر باشد خمس و فقه شود و باید
باینده راست فصل مصرف زکوة فقیر نیست که مالک که از نصاب باشد
مسکینی که مالک هیچ نباشد و مکاتبت برای او ای مال گناست و او یون
مالک نصاب نیست لکن نصاب او فاضل از دین نیست و عاری که است
غیر آنرا دارد از است و سکه مال دارد در وطن و او در سفر نیست بعید
و مال همراه ندارد ازین صنف یک صنف را بدید یا بریشان را لیکن زکوة
دستده مال زکوة بهنول و فروع و زوج خود یا زوج خود و بنده و مدبر و مسکین
و ام ولد خود ندید و غلامی که بعضی او را و یا بنده و کافر یا بدوینی یا شتم و موافق
اینها را بدید هر صدقه تقبل و در بنای مسجد و کفن میت و ادای قرض میت
خرجه نکند و بنده غنی و پسر صغیر غنی را ندید مسئله اگر مصرف زکوة کمان کرده
زکوة و او کسیر غنی باشد که غنی بود یا با ستمی یا کافر یا بدید یا پسر زکوة دستده

مسئله اگر در وقت باز آمد
با مالک یا بنده یا ثقله یا آئین یا مانند آن
در صحرا یافت پنج حصه از آن کز قه شود و چهار
حصه باینده راست اگر زمین ملوک کسی نیست و اگر ملوک است چهار حصه ملک را
و اگر در خانه خود یافت نیز دامام اعظم در آن خمس واجب نیست و نیز در حبس و
و اگر در زمین زراعتی خود یافت در آن دو روایت است مسئله اگر گنجی یافت
و اگر در آن علامت اسلام است مثل سکه اهل اسلام آنرا حکم نفع است مالکش را
اما شش کرده نباید رسانید و اگر در آن علامت کفر باشد خمس و فقه شود و باید
باینده راست فصل مصرف زکوة فقیر نیست که مالک که از نصاب باشد
مسکینی که مالک هیچ نباشد و مکاتبت برای او ای مال گناست و او یون
مالک نصاب نیست لکن نصاب او فاضل از دین نیست و عاری که است
غیر آنرا دارد از است و سکه مال دارد در وطن و او در سفر نیست بعید
و مال همراه ندارد ازین صنف یک صنف را بدید یا بریشان را لیکن زکوة
دستده مال زکوة بهنول و فروع و زوج خود یا زوج خود و بنده و مدبر و مسکین
و ام ولد خود ندید و غلامی که بعضی او را و یا بنده و کافر یا بدوینی یا شتم و موافق
اینها را بدید هر صدقه تقبل و در بنای مسجد و کفن میت و ادای قرض میت
خرجه نکند و بنده غنی و پسر صغیر غنی را ندید مسئله اگر مصرف زکوة کمان کرده
زکوة و او کسیر غنی باشد که غنی بود یا با ستمی یا کافر یا بدید یا پسر زکوة دستده

مسئله اگر در وقت باز آمد
با مالک یا بنده یا ثقله یا آئین یا مانند آن
در صحرا یافت پنج حصه از آن کز قه شود و چهار
حصه باینده راست اگر زمین ملوک کسی نیست و اگر ملوک است چهار حصه ملک را
و اگر در خانه خود یافت نیز دامام اعظم در آن خمس واجب نیست و نیز در حبس و
و اگر در زمین زراعتی خود یافت در آن دو روایت است مسئله اگر گنجی یافت
و اگر در آن علامت اسلام است مثل سکه اهل اسلام آنرا حکم نفع است مالکش را
اما شش کرده نباید رسانید و اگر در آن علامت کفر باشد خمس و فقه شود و باید
باینده راست فصل مصرف زکوة فقیر نیست که مالک که از نصاب باشد
مسکینی که مالک هیچ نباشد و مکاتبت برای او ای مال گناست و او یون
مالک نصاب نیست لکن نصاب او فاضل از دین نیست و عاری که است
غیر آنرا دارد از است و سکه مال دارد در وطن و او در سفر نیست بعید
و مال همراه ندارد ازین صنف یک صنف را بدید یا بریشان را لیکن زکوة
دستده مال زکوة بهنول و فروع و زوج خود یا زوج خود و بنده و مدبر و مسکین
و ام ولد خود ندید و غلامی که بعضی او را و یا بنده و کافر یا بدوینی یا شتم و موافق
اینها را بدید هر صدقه تقبل و در بنای مسجد و کفن میت و ادای قرض میت
خرجه نکند و بنده غنی و پسر صغیر غنی را ندید مسئله اگر مصرف زکوة کمان کرده
زکوة و او کسیر غنی باشد که غنی بود یا با ستمی یا کافر یا بدید یا پسر زکوة دستده

مسئله وقت نیت روزه اگر آفتاب است طلوع صبح و بعد از طلوع صبح نیت روزه باشد که
روزه در روزی که فضل تا پیش از زوال نیت و شافعی و احمد و نزد مالک و طبع طلوع
صبح نیت نفل هم درست نیست و نزد امام اعظم نیت روزه رمضان و نذرین
و فضل تا پیش از زوال صبح است و نیت قضا و کفارت و نذر غیر معین بعد
طلوع صبح با اتفاق جائز نیست و نزد ابی ثلثه هر شی روزه رمضان را هر شب
نیت علی حده علی حده شرط است و نزد مالک برای تمام رمضان شب اول کف
نیت کافی است اگر اول شب ماه نیت شی روزه کرد و در میان رمضان
مجنون شد و بعد روزه در جنون گذشت و مفطرات صوم از او بوقوع نیاید نزد
مالک روزه باقی او صحیح شد و نزد ابی ثلثه ایام جنون را روزه قضا کند بر اخی
نیت و اگر جنون تمام ماه رمضان را در گرفت روزه ساقط شود و قضا واجب
گردد و اگر کیساعتی در رمضان مجنون باشد افاق شد ایام گذشته را قضا کند
یک مرتبه و در حاکت ببلوغ مجنون بود یا بعد از آن مجنون شد هر یک ماه
در رمضان یا ترکیم شدن شی روز شعبان روزه واجب شود و بر این شی
ماه رمضان اگر آسمان ابر یا مانند آن در خاک مرد یا یک زن عادل
گذاشتی حکم خبر باشد یا قیق و بر این شهادت نوال در چنین حال دو مرد و مرد عادل
با یکدیگر و دو زن امرار عدول با لفظ شهادت شرط است و اگر نیت طلع صبا
باشد در رمضان و شوال جماع عظیم می باید مسئله اگر رمضان شهادت

[illegible]

مسکین طعام و بهر یک را مثل صدقه فطر و نذر شافعی و احمد بدون جماع کفایت
می‌جوید بنمود و از آن در روزه قضا یا کفاره یا نذر کفاره واجب نشود
بافتاق و اگر در یک رمضان دو روزه یا چند روزه فاسد کرد و بوجهیک کفاره
واجب شود اگر بعد از آن روز اول کفارت داده باشد روز ثانی را کفاره
علیه مدید و همچنین در ثالث و رابع و بعد آن و اگر روز اول کفاره نداده باشد
تا آخر رمضان برای آن یک و چند روزه یک کفاره کافی است و نذر مالک و شافعی
بر هر تقدیر چند روزه را چند کفاره می‌باید و اگر از دو در رمضان دو روزه فاسد
کرد و کفاره روز اول نداده در خصوصت بافتاق کفاره علیحد علیحد واجب
ست و اگر عیال یا باکره افطار کرد گو جماع یا حخته کرده شد یا در کوش یا
در مینی و یا چکانیده شد یا در زخم شکم یا زخم سرد و یا چکانیده شد پس در اینجا
یا در شکم او رسید یا بخکریزه یا آمینی یا چیزی که از جنس دوا و غذائیت از
حل فرو برد یا بقصد بر پیوستن فی کرد یا بکمان شب طعام سحر خورد و طاهر
نکته صبح بود یا بکمان غریب افطار کرد و حال آنکه غریب نشده بود یا طعام از پی
خورد و کمان کرد که روزه من فاسد شد مستر بعد از خوردن آب در حل حفته
رغیته شد یا زنی حفته یا در حالت دیوانگی یا بیوشی جماع کرده شد درین
صورتها قضا واجب شود کفاره و همچنین اگر در رمضان نیت روزه کرد
و نیت افطار و هیچ از مضافات صوم از او بوقوع نیامده قضا واجب شود

مسکین را و اگر از ایشان را
دو نفر طعام مسکین را و اگر از ایشان را
چهار نفر طعام مسکین را و اگر از ایشان را
هشت نفر طعام مسکین را و اگر از ایشان را
ده نفر طعام مسکین را و اگر از ایشان را
بافتاق آن بر روزی بود اگر کس
صدقه نصیب نکرده باشد یا اگر کس
دو و حساب یک بود و مخصوص انداز
نقد و حقیقی و کس بود و مختص
مسکین را و اگر از ایشان را
با سحر خورد یا با جماع در یک شب یا در یک
صبح طاهر شده بود و همچنین اصل
خطاب کرد و از آنجا که آب چیزی
نخورد یا آب آشامید و از آنجا که
مسکین را و اگر از ایشان را
بافتاق آن بر روزی بود اگر کس
صدقه نصیب نکرده باشد یا اگر کس
دو و حساب یک بود و مخصوص انداز
نقد و حقیقی و کس بود و مختص
مسکین را و اگر از ایشان را
با سحر خورد یا با جماع در یک شب یا در یک
صبح طاهر شده بود و همچنین اصل
خطاب کرد و از آنجا که آب چیزی
نخورد یا آب آشامید و از آنجا که

[illegible][illegible]

مسئله علی‌القطر ندارد تا شبۀ بنصاری نشود لهذا متصل را مکروه داشته اند و می
گویند بر آن است که مکروه نیست پیغمبر صلی الله علیه وسلم در شعبان اکثر روزه داشته
و در بعضی احادیث نصف شعبان از روزه نبی آمده بجهت آنکه ضعف مانع
صوم رمضان نشود مسئله در هر ماه سه روزه دشت منسوب است که
پیغمبر صلی الله علیه وسلم روزه ایام یمن سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم داشتی و کاه
اول ماه و کاهی آخر ماه و کاهی در هر عشره یک روزه و کاهی چشبه و دو شنبه
و چشبه یا ذو شنبه و چشبه و دو شنبه و کاهی در یکماه شنبه یکشنبه
دوشنبه و در ماه دوم سه شنبه چهارشنبه پنجشنبه روز عرفه که روزه
دارد و فاسد لکناه او بخشنده شود سال گذشتہ و سال آگنده و اگر روز عا
روزه دارد و کسی که گذشته لکناه او بخشنده شود و متخیر آن است که با عاشورا
یک روز اول یا یک روز بعد از آن روزه داشته باشد و روزه روز جمعه تنها نزد بعضی
حاکمان مکروه است و نزد ابی حنیفه و محمد مکروه نیست مسئله صوم وصال صوم
در مکرره است و بهترین صیام صیام داؤد است که یک روز روزه دارد و دیگر روز
ببطور کند بشرطیکه مداومت بر آن تواند کرد که عبادت او دم بهتر است
مسئله زن باید در اذن شوهر و بنده طایفون اذن مالک روزه نفل
نباید داشت فصل اعتکاف در مسجد عبادت و در مسجد جامع اولی است
و واجب می شود اعتکاف بیست روز و آن عبارتست از ماندن در مسجد بیست

روزہ خاندان و اولاد

مسلم
روز شنبه ۱۲ خرداد ۱۳۰۲
درشت
بیتبزه مغف در
ارکان حج زیاده بود
مکنه است ۱۲ در قمار

علم
و سوره و سوره و سوره
بایز و سوره و سوره و سوره
نقصه کرده است

وزارت امور خارجه
جانب استعانت
پنجشنبه
تاریخ
روز شنبه
فروردین ماه
مسجد جامع
و قضا

مسلمان
 سوخته است که حفظ
 مذهب بازاری باشد و
 اگر کسی بگوید
 جانم است که بی از
 بگوید که اگر در
 می شود از
 کسی که راجع
 کردن به
 یعنی در
 نشستن بدن
 جمع بعضی
 می شود
 حرام باشد
 عین چینی
 در کشیدن آن
 چار و کشیدن

۴۱۲
۴۱۳
۴۱۴
۴۱۵
۴۱۶
۴۱۷
۴۱۸
۴۱۹
۴۲۰
۴۲۱
۴۲۲
۴۲۳
۴۲۴
۴۲۵
۴۲۶
۴۲۷
۴۲۸
۴۲۹
۴۳۰
۴۳۱
۴۳۲
۴۳۳
۴۳۴
۴۳۵
۴۳۶
۴۳۷
۴۳۸
۴۳۹
۴۴۰
۴۴۱
۴۴۲
۴۴۳
۴۴۴
۴۴۵
۴۴۶
۴۴۷
۴۴۸
۴۴۹
۴۵۰
۴۵۱
۴۵۲
۴۵۳
۴۵۴
۴۵۵
۴۵۶
۴۵۷
۴۵۸
۴۵۹
۴۶۰
۴۶۱
۴۶۲
۴۶۳
۴۶۴
۴۶۵
۴۶۶
۴۶۷
۴۶۸
۴۶۹
۴۷۰
۴۷۱
۴۷۲
۴۷۳
۴۷۴
۴۷۵
۴۷۶
۴۷۷
۴۷۸
۴۷۹
۴۸۰
۴۸۱
۴۸۲
۴۸۳
۴۸۴
۴۸۵
۴۸۶
۴۸۷
۴۸۸
۴۸۹
۴۹۰
۴۹۱
۴۹۲
۴۹۳
۴۹۴
۴۹۵
۴۹۶
۴۹۷
۴۹۸
۴۹۹
۵۰۰
۵۰۱
۵۰۲
۵۰۳
۵۰۴
۵۰۵
۵۰۶
۵۰۷
۵۰۸
۵۰۹
۵۱۰
۵۱۱
۵۱۲
۵۱۳
۵۱۴
۵۱۵
۵۱۶
۵۱۷
۵۱۸
۵۱۹
۵۲۰
۵۲۱
۵۲۲
۵۲۳
۵۲۴
۵۲۵
۵۲۶
۵۲۷
۵۲۸
۵۲۹
۵۳۰
۵۳۱
۵۳۲
۵۳۳
۵۳۴
۵۳۵
۵۳۶
۵۳۷
۵۳۸
۵۳۹
۵۴۰
۵۴۱
۵۴۲
۵۴۳
۵۴۴
۵۴۵
۵۴۶
۵۴۷
۵۴۸
۵۴۹
۵۵۰
۵۵۱
۵۵۲
۵۵۳
۵۵۴
۵۵۵
۵۵۶
۵۵۷
۵۵۸
۵۵۹
۵۶۰
۵۶۱
۵۶۲
۵۶۳
۵۶۴
۵۶۵
۵۶۶
۵۶۷
۵۶۸
۵۶۹
۵۷۰
۵۷۱
۵۷۲
۵۷۳
۵۷۴
۵۷۵
۵۷۶
۵۷۷
۵۷۸
۵۷۹
۵۸۰
۵۸۱
۵۸۲
۵۸۳
۵۸۴
۵۸۵
۵۸۶
۵۸۷
۵۸۸
۵۸۹
۵۹۰
۵۹۱
۵۹۲
۵۹۳
۵۹۴
۵۹۵
۵۹۶
۵۹۷
۵۹۸
۵۹۹
۶۰۰
۶۰۱
۶۰۲
۶۰۳
۶۰۴
۶۰۵
۶۰۶
۶۰۷
۶۰۸
۶۰۹
۶۱۰
۶۱۱
۶۱۲
۶۱۳
۶۱۴
۶۱۵
۶۱۶
۶۱۷
۶۱۸
۶۱۹
۶۲۰
۶۲۱
۶۲۲
۶۲۳
۶۲۴
۶۲۵
۶۲۶
۶۲۷
۶۲۸
۶۲۹
۶۳۰
۶۳۱
۶۳۲
۶۳۳
۶۳۴
۶۳۵
۶۳۶
۶۳۷
۶۳۸
۶۳۹
۶۴۰
۶۴۱
۶۴۲
۶۴۳
۶۴۴
۶۴۵
۶۴۶
۶۴۷
۶۴۸
۶۴۹
۶۵۰
۶۵۱
۶۵۲
۶۵۳
۶۵۴
۶۵۵
۶۵۶
۶۵۷
۶۵۸
۶۵۹
۶۶۰
۶۶۱
۶۶۲
۶۶۳
۶۶۴
۶۶۵
۶۶۶
۶۶۷
۶۶۸
۶۶۹
۶۷۰
۶۷۱
۶۷۲
۶۷۳
۶۷۴
۶۷۵
۶۷۶
۶۷۷
۶۷۸
۶۷۹
۶۸۰
۶۸۱
۶۸۲
۶۸۳
۶۸۴
۶۸۵
۶۸۶
۶۸۷
۶۸۸
۶۸۹
۶۹۰
۶۹۱
۶۹۲
۶۹۳
۶۹۴
۶۹۵
۶۹۶
۶۹۷
۶۹۸
۶۹۹
۷۰۰
۷۰۱
۷۰۲
۷۰۳
۷۰۴
۷۰۵
۷۰۶
۷۰۷
۷۰۸
۷۰۹
۷۱۰
۷۱۱
۷۱۲
۷۱۳
۷۱۴
۷۱۵
۷۱۶
۷۱۷
۷۱۸
۷۱۹
۷۲۰
۷۲۱
۷۲۲
۷۲۳
۷۲۴
۷۲۵
۷۲۶
۷۲۷
۷۲۸
۷۲۹
۷۳۰
۷۳۱
۷۳۲
۷۳۳
۷۳۴
۷۳۵
۷۳۶
۷۳۷
۷۳۸
۷۳۹
۷۴۰
۷۴۱
۷۴۲
۷۴۳
۷۴۴
۷۴۵
۷۴۶
۷۴۷
۷۴۸
۷۴۹
۷۵۰
۷۵۱
۷۵۲
۷۵۳
۷۵۴
۷۵۵
۷۵۶
۷۵۷
۷۵۸
۷۵۹
۷۶۰
۷۶۱
۷۶۲
۷۶۳
۷۶۴
۷۶۵
۷۶۶
۷۶۷
۷۶۸
۷۶۹
۷۷۰
۷۷۱
۷۷۲
۷۷۳
۷۷۴
۷۷۵
۷۷۶
۷۷۷
۷۷۸
۷۷۹
۷۸۰
۷۸۱
۷۸۲
۷۸۳
۷۸۴
۷۸۵
۷۸۶
۷۸۷
۷۸۸
۷۸۹
۷۹۰
۷۹۱
۷۹۲
۷۹۳
۷۹۴
۷۹۵
۷۹۶
۷۹۷
۷۹۸
۷۹۹
۸۰۰
۸۰۱
۸۰۲
۸۰۳
۸۰۴
۸۰۵
۸۰۶
۸۰۷
۸۰۸
۸۰۹
۸۱۰
۸۱۱
۸۱۲
۸۱۳
۸۱۴
۸۱۵
۸۱۶
۸۱۷
۸۱۸
۸۱۹
۸۲۰
۸۲۱
۸۲۲
۸۲۳
۸۲۴
۸۲۵
۸۲۶
۸۲۷
۸۲۸
۸۲۹
۸۳۰
۸۳۱
۸۳۲
۸۳۳
۸۳۴
۸۳۵
۸۳۶
۸۳۷
۸۳۸
۸۳۹
۸۴۰
۸۴۱
۸۴۲
۸۴۳
۸۴۴
۸۴۵
۸۴۶
۸۴۷
۸۴۸
۸۴۹
۸۵۰
۸۵۱
۸۵۲
۸۵۳
۸۵۴
۸۵۵
۸۵۶
۸۵۷
۸۵۸
۸۵۹
۸۶۰
۸۶۱
۸۶۲
۸۶۳
۸۶۴
۸۶۵
۸۶۶
۸۶۷
۸۶۸
۸۶۹
۸۷۰
۸۷۱
۸۷۲
۸۷۳
۸۷۴
۸۷۵
۸۷۶
۸۷۷
۸۷۸
۸۷۹
۸۸۰
۸۸۱
۸۸۲
۸۸۳
۸۸۴
۸۸۵
۸۸۶
۸۸۷
۸۸۸
۸۸۹
۸۹۰
۸۹۱
۸۹۲
۸۹۳
۸۹۴
۸۹۵
۸۹۶
۸۹۷
۸۹۸
۸۹۹
۹۰۰
۹۰۱
۹۰۲
۹۰۳
۹۰۴
۹۰۵
۹۰۶
۹۰۷
۹۰۸
۹۰۹
۹۱۰
۹۱۱
۹۱۲
۹۱۳
۹۱۴
۹۱۵
۹۱۶
۹۱۷
۹۱۸
۹۱۹
۹۲۰
۹۲۱
۹۲۲
۹۲۳

یا باطل مجهول پس اگر مشتری فسخ بیع نکند و چوب از سقف جدا کرد و فرو برید
 آن ثوب یا باطل مشتری باطل کرد و بیع صحیح و لازم شد **مسئله** بیع
 بشرط فاسد فاسد است و بشرط فاسد آن بیع که مقتضای عین فاسد است
 و در آن منفعت باشد یا نه یا مشتری یا بیع را که مستحق نفع باشد
 بشرط ملک مشتری مقتضای عقد است پس فاسدیت و بشرط آنکه مشتری این جائیداد
 نفوذ شد اگر مقتضای عقد نیست لیکن در آن منفعت کسی نیست پس فاسدیت و
 بشرط آنکه این بیع را مشتری برگزید درین نفع بیع است لیکن بیع انسان نیست که
 مستحق نفع باشد پس فاسدیت چنین بشرط لغویت و بیع صحیح و بشرط
 باطل یکماه در خانه بده سکونت کند و در آن نفع باطل است بشرط فاسد
 و آنکه باطل این بار را جانم دوخته و در آن نفع مشتری نیست فاسد است
 و بشرط آنکه بیع را مشتری آزاد کند درین نفع بیع است نیز فاسد است
 از اینچنین شرط بیع فاسد شود و باید در تفصیل مسائل بیع باطل و فاسد
 در کتب فقه ازین بیوع اجتناب واجب است **مسئله** بیع
 در بیع و قرض و کناه کبیره است منکر حرمت آن کافیه است **مسئله**
 بدانکه هر بود قسم یکی ربوا نیست یعنی قدر را بر سهی و قرض دوم ربوا
 منحل یعنی اندک را بر بسیار قرض نزد امام اعظم اگر دو چیز یافته شود
 هر دو قسم ربوا حرام باشد یکی اتحاد جنس و وجهی **مسئله** قدر در عبادت
 از کسب یا وزن و اگر ازین دو چیز یکی یافته شود ربوا نیست چه حرام باشد

در بیع و قرض و کناه کبیره است منکر حرمت آن کافیه است
 بدانکه هر بود قسم یکی ربوا نیست یعنی قدر را بر سهی و قرض دوم ربوا
 منحل یعنی اندک را بر بسیار قرض نزد امام اعظم اگر دو چیز یافته شود
 هر دو قسم ربوا حرام باشد یکی اتحاد جنس و وجهی
 مسئله قدر در عبادت از کسب یا وزن و اگر ازین دو چیز یکی یافته شود ربوا نیست چه حرام باشد

و نکوید که باین مبلغ خریده ام تا کاذب نباشد مسئله اگر شخصی یک پارچه
 مثلاً بده درم فروخت و هنوز مبلغ را مشتری ^{باز} نگرفته و با آن مبلغ همان پارچه
 از مشتری به چندم خرید یا آن پارچه را با پارچه دیگر بده درم خریده
 صحیح نباشد که در حکم ربوا است مسئله بیع منقول قبل قبض صحیح نیست
 مسئله اگر کیلی بشرط کیل خرید و مشتری از باطن کیل کرده گرفت سپرد
 دیگر بی بشرط کیل فروخت مشتری ^{باز} از آن انتفاع میبرد خوردن باید است
 کسی دیگر فروختن جائز نیست تا که پانچ کیل نماند و کیل اول کافی نیست احتیاطاً
 برای آن که بیاید چیزی در کیل بخرد و باید و مال باطن باشد مسئله
 تخلف حرام است و تخلف نیست که کسی بدون قصد خرید خود را خریدار نموده
 قیمت بیع زیاده گوید تا کسی دیگر مشتری فریب خورد مسئله اگر یک مسلمان
 خرید میکند و نرخ مشخص میکند یا بیع ^{باز} میزند یا نه و دیگر بر آن آمده پیغام خود
 و دیگر نمیگوید مگر و است تا وقتیکه معامله خریدار اول درست شود یا حق توقف نماند
 مسئله کاروان غله را اگر کسی از شهر برآمده ملاقات کند و تا آنکه غله خریده نماند
 این را بیع جلب گویند اگر انجمنی برای اهل شهر مقرر باشد ممنوع است و اگر اهل
 شهر را مقرر نباشد جائز است مگر در صورتیکه نرخ شهر را بر اهل قافله
 پوشیده دارد که این فریب و مکروه است ^{باز} مسئله اگر کسی شهر را بیع
 کاروان را در شهر نرخ کران کرده بفروشد و در شهر خط و قالی بماند

مسئله اگر شخصی یک پارچه را بده درم فروخت و هنوز مبلغ را مشتری نگرفته و با آن مبلغ همان پارچه را از مشتری به چندم خرید یا آن پارچه را با پارچه دیگر بده درم خریده صحیح نیست که در حکم ربوا است مسئله بیع منقول قبل قبض صحیح نیست مسئله اگر کیلی بشرط کیل خرید و مشتری از باطن کیل کرده گرفت سپرد دیگر بی بشرط کیل فروخت مشتری از آن انتفاع میبرد خوردن باید است کسی دیگر فروختن جائز نیست تا که پانچ کیل نماند و کیل اول کافی نیست احتیاطاً برای آن که بیاید چیزی در کیل بخرد و باید و مال باطن باشد مسئله تخلف حرام است و تخلف نیست که کسی بدون قصد خرید خود را خریدار نموده قیمت بیع زیاده گوید تا کسی دیگر مشتری فریب خورد مسئله اگر یک مسلمان خرید میکند و نرخ مشخص میکند یا بیع میزند یا نه و دیگر بر آن آمده پیغام خود و دیگر نمیگوید مگر و است تا وقتیکه معامله خریدار اول درست شود یا حق توقف نماند مسئله کاروان غله را اگر کسی از شهر برآمده ملاقات کند و تا آنکه غله خریده نماند این را بیع جلب گویند اگر انجمنی برای اهل شهر مقرر باشد ممنوع است و اگر اهل شهر را مقرر نباشد جائز است مگر در صورتیکه نرخ شهر را بر اهل قافله پوشیده دارد که این فریب و مکروه است مسئله اگر کسی شهر را بیع کاروان را در شهر نرخ کران کرده بفروشد و در شهر خط و قالی بماند

الحمد لله الذي جعل في كل شيء دليلا على قدرته وقدرته على كل شيء

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

برای پیش روزه چیزی مقرر کرده شود اگر از یک جانب باشد طاعت است و از
جانبین حرام است مگر آنکه یک شخص ثالث در میان آن دو باشد و اگر یکی از دو
پیش رود آنقدر با و داده شود و اگر دو کس پیش روند هیچ ندادند
و بر این صورت از ثالث هیچ نگرفته شود و از آن دو کس هر که پیش رود از یک
بگیرد و همچنین حکم است در آنکه دو طالب علم در یک مسئله اختلاف کنند
و خواهند که با حشاد رجوع آرند و هر یک یک حکم از مواضع حکم است و اذیت
چیزی مقرر کنند مسئله و لایحه خارج است و کسیکه دعوت کرده شود
باید که قبول کند و اگر بعد از قبول بگوید من نمی دانم مسئله از طعام دعوت چیزی حکم
خود نیار و دویم بی اهل مذکر که باز مالک و اگر داند که آنجا اهل است و
یا ضرر شود و دعوت قبول نکند و اگر بعد آمدن بگوید من نمی دانم مسئله از طعام
کند و اگر نه پس اگر مقتدا باشد یا اگر نه طعام باشد نه نشیند و اگر نه نشیند
امام اعظم رحمه الله فرموده که بدان مسئله شدم پس صبر کردم یعنی حشاد از مقتدا
شدن مسئله شر و حرام است زیرا که باز و از طعام است از ذکر الهی
و مهمت شهوت است بسوی معاصی و اگر در حق کسی این چنین نباشد مثلاً در پیش
صاحب نفس مطمئنه که غیر از عیش و محبت الهی در سراپای میل و رغبت بود
از زبان مردی که قابل شهوت نباشد کلامی بگوید با و دعوتی را نشنود
و او را مانع از ذکر الهی نباشد بلکه بجهان محبت الهی کشد و در حق آنکه در

در این مسئله که اگر از یک جانب باشد طاعت است و از جانبین حرام است مگر آنکه یک شخص ثالث در میان آن دو باشد و اگر یکی از دو پیش رود آنقدر با و داده شود و اگر دو کس پیش روند هیچ ندادند و بر این صورت از ثالث هیچ نگرفته شود و از آن دو کس هر که پیش رود از یک بگیرد و همچنین حکم است در آنکه دو طالب علم در یک مسئله اختلاف کنند و خواهند که با حشاد رجوع آرند و هر یک یک حکم از مواضع حکم است و اذیت چیزی مقرر کنند مسئله و لایحه خارج است و کسیکه دعوت کرده شود باید که قبول کند و اگر بعد از قبول بگوید من نمی دانم مسئله از طعام دعوت چیزی حکم خود نیار و دویم بی اهل مذکر که باز مالک و اگر داند که آنجا اهل است و یا ضرر شود و دعوت قبول نکند و اگر بعد آمدن بگوید من نمی دانم مسئله از طعام کند و اگر نه پس اگر مقتدا باشد یا اگر نه طعام باشد نه نشیند و اگر نه نشیند امام اعظم رحمه الله فرموده که بدان مسئله شدم پس صبر کردم یعنی حشاد از مقتدا شدن مسئله شر و حرام است زیرا که باز و از طعام است از ذکر الهی و مهمت شهوت است بسوی معاصی و اگر در حق کسی این چنین نباشد مثلاً در پیش صاحب نفس مطمئنه که غیر از عیش و محبت الهی در سراپای میل و رغبت بود از زبان مردی که قابل شهوت نباشد کلامی بگوید با و دعوتی را نشنود و او را مانع از ذکر الهی نباشد بلکه بجهان محبت الهی کشد و در حق آنکه در

این مسئله که اگر از یک جانب باشد طاعت است و از جانبین حرام است مگر آنکه یک شخص ثالث در میان آن دو باشد و اگر یکی از دو پیش رود آنقدر با و داده شود و اگر دو کس پیش روند هیچ ندادند و بر این صورت از ثالث هیچ نگرفته شود و از آن دو کس هر که پیش رود از یک بگیرد و همچنین حکم است در آنکه دو طالب علم در یک مسئله اختلاف کنند و خواهند که با حشاد رجوع آرند و هر یک یک حکم از مواضع حکم است و اذیت چیزی مقرر کنند مسئله و لایحه خارج است و کسیکه دعوت کرده شود باید که قبول کند و اگر بعد از قبول بگوید من نمی دانم مسئله از طعام دعوت چیزی حکم خود نیار و دویم بی اهل مذکر که باز مالک و اگر داند که آنجا اهل است و یا ضرر شود و دعوت قبول نکند و اگر بعد آمدن بگوید من نمی دانم مسئله از طعام کند و اگر نه پس اگر مقتدا باشد یا اگر نه طعام باشد نه نشیند و اگر نه نشیند امام اعظم رحمه الله فرموده که بدان مسئله شدم پس صبر کردم یعنی حشاد از مقتدا شدن مسئله شر و حرام است زیرا که باز و از طعام است از ذکر الهی و مهمت شهوت است بسوی معاصی و اگر در حق کسی این چنین نباشد مثلاً در پیش صاحب نفس مطمئنه که غیر از عیش و محبت الهی در سراپای میل و رغبت بود از زبان مردی که قابل شهوت نباشد کلامی بگوید با و دعوتی را نشنود و او را مانع از ذکر الهی نباشد بلکه بجهان محبت الهی کشد و در حق آنکه در

[illegible][illegible]

زیر آواز دشتی نامی مردمان شهر نیست بلکه بعضی آواز صحرایی است

حالت باید و عمل و وزخ میکنند و وزخی میشوند شیخ سعیدی گوید
 بلیت مرا بر داناخی نیست شهاب و دو اندرز فرمود بر روی آب
 بپوشید بر خویش خود بین مباش ^{دوم آنکه بر غیر بدین مباش مسئله}
 تفاخر با شتاب حرام است و نیز کاتر مال و جاه حرام است کریم تر زود امتی تر
 مسئله بازی کردن بطرح یا زو یا چوپا یا مانند آن حرام است و اگر در آن
 مان شرب و طاب باشد بقرار با شتاب و حرام ^{و کلاه کبیره یا شکر حرمت آن}
 کاف باشد و نیز لعب به برانیدن کس ^{یا جفاکانیدن مرغ و مانند آن حرام}
 مسئله خدمت کتانیان از خویش با مکر و نفاق ^{مسئله مری ایمنه که دراز}
 حرام است خصوص بپوشیدن ^{مسئله اجرت گرفتن}
 برافران و امامت و تعلیم و آلت ^{و غیره عیالات جابریت نزد امام}
 اعظم و نزد دیگر امام جابریت ^{درین باب قوی بران است که بر تسلیم قرآن}
 و مانند آن اجرت گرفتن جابریت ^{مسئله اجرت فوّه کننده و سرود}
 و ذکر معاصی و اجرت جانیان ^{چون نور بر ماده حرام است مسئله قاضیان}
 و مفتیان و علما و عازیان را از بیت المال رزق داده شود بقدر که کافی باشد
 بلا شرط ^{مسئله حره را سفر کردن بدون محرم یا زوجه جابریت و کینه و دم}
 و نیز طاهر است که عیالات ^{اجرت گرفتن جابریت ۱۲ درختار}
 را جابریت و طاهر است ^{مسئله حرام است مسئله غلام و}
 حرام است ^{مسئله حرام است مسئله غلام و}
 حرام است ^{مسئله حرام است مسئله غلام و}

شیخ سعیدی گوید
 بپوشید بر خویش خود بین مباش

مسئله بازی کردن
 بطرح یا زو یا چوپا یا مانند آن حرام است

مسئله حرام است
 مسئله حرام است
 مسئله حرام است

صلی الله علیه وسلم در وقت وفات آخر کلام نماز و تسبیح باران را فرمود باید که ملوک خود را آنچه خود بخورد و آنچه بپوشد و آنچه بکار بری زیاده از طاقت او امر نفرماید و اگر بکاری شأن امر کند باید که خود هم شریک شود مسئله مذکور که اندیشه کرخین آن باشد زنجیر و پای او انداختن جائزست مسئله بده را از خدمت مولی کرخین حرام است مسئله تراشیدن ریش پیش از قضه حرام است و چیدن موی مفید از ریش و مانند آن مکروه است و گذاشتن ریش و تراشیدن سبکست و فاضل و موی بغل و موی تنائی سبکست مسئله داخل شدن مردان در زنان در حمام جائزست لیکن با پرده و اگر از آن مسئله امر بفرستنی رند است از منکرات اگر مقدر و داشته باشد از دست منع کند و اگر نتواند از زبان منع کند و اگر نتواند یا منصف بگذارد و اگر بکار دارد و محبت اهل منکر ترک کند اگر اعیان در هم نکند و بالانهاست مسئله بپوشیدن در دنیا و آخرت مسئله حب فی الله و بعض فی الله فرض است مسئله کسیکه بر وحشی کند شکر او کردن و مکافات او نمودن مستحب است و اگر آن کردن و کفران نمودن معصیت است هر که شکر بنده نکرده شکر خدا نکرده مسئله نشستن در مجلس علماء و صلحا افضل است اگر تمیز شود و اگر تمیز نشود عزت برتر است مسئله کثرت در دو بر پنجم صلی الله علیه وسلم مستحب است

و قتل نفس و قسم دروغ و شهادت دروغ و دشنام و دشنام به خدا و رسول
مال تمام و خوردن ربوا و اگر چنین از جنگ بگزارد و حید باشد و سحر کردن
و قتل فرزندان و خواجه کفار و خرافات و میکروند و زنا خصوصاً با زن همسایه و در
حدیث آمده زنا با ده زن که تربت از زنا با زن همسایه و سحر و قطع طریق که
مخاربه با خدا و رسول است و بقی بر امام عادل و در حدیث آمده که هر که مرتکب
اگست که کسی بد و ما در خود را دشنام بپسند و الدین را خجسته کسی نام
و بدتر شود و الدین و کیر سی و دشنام دهد او و الدین این را دشنام دهد
مسئله مدح فاسق حرام است حدیث است که حق تعالی بر این غضب شود
و غشش بدان ببرد و مسئله اگر کسی بر کسی لعنت کند اگر کسی لعنت
نشد بروی باز کرد و فائده حدیث است علامات منافق دروغ
گوئی و خلاف و بعدگی و خیانت و اگر کسی را لعنت کند و دشنام دهد و دشنام
مسئله رسول صلی الله علیه و سلم هر که دشنام بدهد یا اگر چه قتل کرد
شوی و سوخته شوی و نافرمانی و الدین مکن اگر چه کفر نبند که از زن و فرزند
و مال خود بر شو مسئله حق شوهر بر زن آنقدر است که رسول علیه السلام
فرمود اگر سجده برای غیر خدا اجازت بودی زن را لم میکروم که شوهر را بحد
کند اگر شوهر زن را لم کند که کسی که زنی را بدو داشته بگوید سیاه
و از کوه سیاه بگوید بپوشد برسان باید که محبت آن کند مسئله هر که

[illegible]

آنکه که بگویند شما کسی است که با زن خود خوب باشد و من بای اهل خود خشم
 و زن از پیروی چپ آفریده شده است راست نوان شد بر کجی آنها
 صبر باید کرد و نیکی باید نمود باید که او را دشمن ندارد و اگر از و راضی باشد
 طلاق و بد مسئله کناه صغیره راستن انکاشتن و بران هر ار کردن
 کناه کبیره است و حلال دانستن کناه صغیره قطعی موجب کفر است بخاری
 از انس روایت کرده که نموده که شما کارها می کنید از سوی ما کینه
 و سهلتر می دانید و ما آنرا در عهد پیغمبر صلی الله علیه و سلم از مملکات
 میدانیم فائده سخن در شریعت است و مطولات ازان سخنان
 بقدر کفایت درین کورای پس خاتمه خوانان نوشته شد زیاده ازین که
 احتیاج است بحالما رجوع می توان کرد

کتاب احسان التقرب

بدان استعدک الله تعالی این همه که گفته شد صورت ایمان و اسلام و شریعت
 و منفرد حقیقت آن در خدمت درویشان باید جست خیال نباید کرد که حقیقت
 خلاف شریعت است که این سخن جبال و کفر است بلکه همین شریعت است
 که در خدمت درویشان رنگ و بکر میدامی کند چون قلب از تعلل جبری علی
 که ماسومی اسد و اثرت پاک خود و در ذراتش بر طرف کشته نفس مطبوع
 و حکایتش هر ساند شریعت و حق او با منفر شود و عذرا الله تعالی و بگویم

اینکه که بگویند شما کسی است که با زن خود خوب باشد و من بای اهل خود خشم و زن از پیروی چپ آفریده شده است راست نوان شد بر کجی آنها صبر باید کرد و نیکی باید نمود باید که او را دشمن ندارد و اگر از و راضی باشد طلاق و بد مسئله کناه صغیره راستن انکاشتن و بران هر ار کردن کناه کبیره است و حلال دانستن کناه صغیره قطعی موجب کفر است بخاری از انس روایت کرده که نموده که شما کارها می کنید از سوی ما کینه و سهلتر می دانید و ما آنرا در عهد پیغمبر صلی الله علیه و سلم از مملکات میدانیم فائده سخن در شریعت است و مطولات ازان سخنان بقدر کفایت درین کورای پس خاتمه خوانان نوشته شد زیاده ازین که احتیاج است بحالما رجوع می توان کرد

حافظه کوی
 روز خدایتان خلوت و در خلوت
 با وجود خشنی خلوت در خلوت
 اخلاص
 بی با و با
 خدا جا آورده

دو رکعت او بهتر از یک رکعت و یکبار این باشد بچنین صوم او کفایت داد
 رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که اگر شما مثل کوه اُصُد زرد در راه خدا
 کنید برابر یک سیر یا نیم سیر خوب است که صحابه در راه خدا داده اند
 این از جهت قوت ایمان و اخلاص شان است و نور باطن پیغمبر صلی الله علیه وسلم
 از سینه درویشان باید جست و بدان نور سینه خود را روشن باید کرد
 نام خرمی ~~در این است~~ در این است ~~در این است~~ در قرآن شریف متنی را
 فرموده و در حدیث علامت او ایما ~~فرموده~~ که از صحبت او خدا یا و آیه یعنی
 محبت دنیا در صحبت او کم ~~و از جهت حق~~ زیاده کرد و رسد علم تکین
 سیکه متقی باشد ~~و از جهت حق~~ زیاده کرد و رسد علم تکین
 ابلیس آدم روی هست پس هر دوی ~~و در حدیث~~ در حدیث ~~و در حدیث~~
 نشستی و نشد جمع و ~~و در حدیث~~ در حدیث ~~و در حدیث~~
 اعیان ~~و در حدیث~~ در حدیث ~~و در حدیث~~
 عزیزان میباشد و در نه نکلند روح عزیزان بجلالت ~~و در حدیث~~
 علی عباد الله بنی صطفی

قال علی بن ابی طالب
 فی صوم او کفایت داد
 رسول صلی الله علیه وسلم
 فرمود که اگر شما مثل کوه
 اُصُد زرد در راه خدا
 کنید برابر یک سیر یا نیم
 سیر خوب است که صحابه
 در راه خدا داده اند
 این از جهت قوت ایمان
 و اخلاص شان است و نور
 باطن پیغمبر صلی الله
 علیه وسلم از سینه درویشان
 باید جست و بدان نور
 سینه خود را روشن باید
 کرد نام خرمی در این
 است در قرآن شریف متنی
 را فرموده و در حدیث
 علامت او ایما فرموده
 که از صحبت او خدا یا و
 آیه یعنی محبت دنیا در
 صحبت او کم و از جهت
 حق زیاده کرد و رسد
 علم تکین سیکه متقی
 باشد و از جهت حق
 زیاده کرد و رسد علم
 تکین ابلیس آدم روی
 هست پس هر دوی در حدیث
 نشستی و نشد جمع و
 اعیان و در حدیث
 عزیزان میباشد و در
 نه نکلند روح عزیزان
 بجلالت و در حدیث
 علی عباد الله بنی
 صطفی

قال الخلیفین بعد الدین ختم الله علیهما الصدق و البقیة قد صححت هذه الرسالة علی الطائفة
 البشریة و لم آل جدید فی توضیح عباراتها و تبیین اشاراتها و بیان الاصلان فی
 بعض سائلها و توضیحاتها بما علیه منه ~~و در حدیث~~ در حدیث ~~و در حدیث~~
 شود و نه من شاکخی فی ~~و در حدیث~~ در حدیث ~~و در حدیث~~

صنف	سطر	خط	صنف	سطر	خط
۱۰	آب	آب	۱۷	آب	آب
۱۱	خ	خ	۱۸	خ	خ
۱۲	یار	یار	۱۹	یار	یار
۱۳	خ	خ	۲۰	خ	خ
۱۴	یار	یار	۲۱	یار	یار
۱۵	خ	خ	۲۲	خ	خ
۱۶	یار	یار	۲۳	یار	یار
۱۷	خ	خ	۲۴	خ	خ
۱۸	یار	یار	۲۵	یار	یار
۱۹	خ	خ	۲۶	خ	خ
۲۰	یار	یار	۲۷	یار	یار
۲۱	خ	خ	۲۸	خ	خ
۲۲	یار	یار	۲۹	یار	یار
۲۳	خ	خ	۳۰	خ	خ
۲۴	یار	یار	۳۱	یار	یار
۲۵	خ	خ	۳۲	خ	خ
۲۶	یار	یار	۳۳	یار	یار
۲۷	خ	خ	۳۴	خ	خ
۲۸	یار	یار	۳۵	یار	یار
۲۹	خ	خ	۳۶	خ	خ
۳۰	یار	یار	۳۷	یار	یار
۳۱	خ	خ	۳۸	خ	خ
۳۲	یار	یار	۳۹	یار	یار
۳۳	خ	خ	۴۰	خ	خ
۳۴	یار	یار	۴۱	یار	یار
۳۵	خ	خ	۴۲	خ	خ
۳۶	یار	یار	۴۳	یار	یار
۳۷	خ	خ	۴۴	خ	خ
۳۸	یار	یار	۴۵	یار	یار
۳۹	خ	خ	۴۶	خ	خ
۴۰	یار	یار	۴۷	یار	یار
۴۱	خ	خ	۴۸	خ	خ
۴۲	یار	یار	۴۹	یار	یار
۴۳	خ	خ	۵۰	خ	خ
۴۴	یار	یار	۵۱	یار	یار
۴۵	خ	خ	۵۲	خ	خ
۴۶	یار	یار	۵۳	یار	یار
۴۷	خ	خ	۵۴	خ	خ
۴۸	یار	یار	۵۵	یار	یار
۴۹	خ	خ	۵۶	خ	خ
۵۰	یار	یار	۵۷	یار	یار
۵۱	خ	خ	۵۸	خ	خ
۵۲	یار	یار	۵۹	یار	یار
۵۳	خ	خ	۶۰	خ	خ
۵۴	یار	یار	۶۱	یار	یار
۵۵	خ	خ	۶۲	خ	خ
۵۶	یار	یار	۶۳	یار	یار
۵۷	خ	خ	۶۴	خ	خ
۵۸	یار	یار	۶۵	یار	یار
۵۹	خ	خ	۶۶	خ	خ
۶۰	یار	یار	۶۷	یار	یار
۶۱	خ	خ	۶۸	خ	خ
۶۲	یار	یار	۶۹	یار	یار
۶۳	خ	خ	۷۰	خ	خ
۶۴	یار	یار	۷۱	یار	یار
۶۵	خ	خ	۷۲	خ	خ
۶۶	یار	یار	۷۳	یار	یار
۶۷	خ	خ	۷۴	خ	خ
۶۸	یار	یار	۷۵	یار	یار
۶۹	خ	خ	۷۶	خ	خ
۷۰	یار	یار	۷۷	یار	یار
۷۱	خ	خ	۷۸	خ	خ
۷۲	یار	یار	۷۹	یار	یار
۷۳	خ	خ	۸۰	خ	خ
۷۴	یار	یار	۸۱	یار	یار
۷۵	خ	خ	۸۲	خ	خ
۷۶	یار	یار	۸۳	یار	یار
۷۷	خ	خ	۸۴	خ	خ
۷۸	یار	یار	۸۵	یار	یار
۷۹	خ	خ	۸۶	خ	خ
۸۰	یار	یار	۸۷	یار	یار
۸۱	خ	خ	۸۸	خ	خ
۸۲	یار	یار	۸۹	یار	یار
۸۳	خ	خ	۹۰	خ	خ
۸۴	یار	یار	۹۱	یار	یار
۸۵	خ	خ	۹۲	خ	خ
۸۶	یار	یار	۹۳	یار	یار
۸۷	خ	خ	۹۴	خ	خ
۸۸	یار	یار	۹۵	یار	یار
۸۹	خ	خ	۹۶	خ	خ
۹۰	یار	یار	۹۷	یار	یار
۹۱	خ	خ	۹۸	خ	خ
۹۲	یار	یار	۹۹	یار	یار
۹۳	خ	خ	۱۰۰	خ	خ

2925341

CALL NO. { 40 تالم ACC. NO. 21

AUTHOR _____

TITLE _____ مالا بدینہ

Date _____ No. _____

Date _____ No. _____



MAULANA AZAD LIBRARY
ALIGARH MUSLIM UNIVERSITY

RULES :-

1. The book must be returned on the date stamped above.
2. A fine of **Rs. 1-00** per volume per day shall be charged for text-book and **10 Paise** per volume per day for general books kept over-due.